

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

ادب

بهترین میراث پدر و مادر



محمد تقی صرفی پور

اهمیت و ارزش ادب در جامعه



مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و صلوات درود بر محمد مصطفی و اهل بیت
طاهرینش

از مهم ترین فضائل بشری داشتن ادب است که هم خدا و رسول افراد با ادب را دوست
دارند و هم مردم.

کودکی که مودب هست مورد توجه همه قرار می گیرد. جوانی که با ادب هست نیز
مورد احترام همگان می باشد.

اسلام که دین خوبیهاست به مساله داشتن ادب اهمیت خاصی داده بطوری که در قران
کریم بارها و بارها مساله ادب را متذکر شده است و در سخنان بزرگان دین آمده که

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

بزرگترین میراث پدر و مادر، داشتن فرزند با ادب هست. حضرت علی (ع) می فرمایند:

”لادین لمن لا ادب له“ **کسی که ادب ندارد دین ندارد!**

در زمان ما با توجه به تهاجم فرهنگ منحن غرب به کشورمان، شاهد این هستیم که اهمیت و ارزش ادب در بعضی موارد کاهش یافته است و جوانان و نوجوانانی هستند که بی ادب می باشند و رفتار نامناسب و بی ادبانه آنها باعث آزردهی جامعه می گردد. بطوریکه یکی از کارشناسان این عبارت را بکار برده است:

انفجار بی ادبی در جامعه ایرانی!!

دکتر اقلیما درباره اثر فرهنگ گفتار و عدم رعایت ادبیات مناسب در محاورات افراد جامعه گفت: یک زمانی بود وقتی شما با یک معلم صحبت می کردید تمام گفتار و کردار یک معلم آموزش دیده و متبحر را از خود به نمایش می گذاشت و زمانی که به بازار رفته و خرید می کردید رفتارها و سکنات یک بازاری را از کسبه می دیدید، همینطور زمانی که با رئیس دانشگاه صحبت می کردید تمام جلوه گری های مناسب یک رئیس مرکز آموزش را از او دریافت می کردید. هر کس در جایگاه اجتماعی خود قرار داشت و لحن گفتارش مناسب جایگاه خود بود. امروزه همه چیز بهم ریخته است. یک استاد رفتاری از خود نشان میدهد که یک راننده مسافر کش، وقتی معلمی به شاگردش بی احترامی می کند، وقتی یک مدیری به کارمند خود زمانی که خلاقی میکند توهین و ناسزا می گوید، در همچون جامعه ای شاگردان و کودکان هم آن رفتارها را

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

الگو قرار داده و بر اساس اینکه هر که بلند تر حرف بزند حرف درست از آن اوست تربیت می یابد .

وی با اشاره به اینکه وقتی در دادگاه قاضی بر سر متهم فریاد میزند ، در مدرسه معلم بر سر فرزند، در خانه شوهر برای زن، در اداره رئیس بر سر کارمند و ... ریشه همه این فریادها در فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که بر سطح روابط فرهنگی افراد اجتماع تاثیر میگذارد گفت : وقتی یک کارمند اداره به دلیل بازدهی نامناسب حقوقی خود در گذران زندگی خود مجبور می شود به مشاغلی بپردازد که تاثیر روابطی آن شغل ناخود آگاه در او پرورش میابد و در مقابل هر حرفی عنان از کف داده و عصبانی می شود و نتیجه آن هم معلوم است : نزاع خیابانی ، اختلافات خانوادگی، افسردگی ، بیماریهایی با ریشه های عصبی و، پر خاش و...^۱

در این کتاب به ابعادی از اهمیت ادب و مصادیق بی ادبی اشاره می شود . امید است قدمی در بیشتر شدن ادب در اجتماع برداشته شود.

زمستان ۹۷-شهر حسن آباد فشافویه-زادگاه شیخ کلینی

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

یاد دادن ادب از وظایف مهم پدر و مادر نسبت به فرزندان

یکی از وظایف بزرگ والدین یاد دادن ادب به فرزند
است.

اگر دیدید شخصی بی ادبی می کند مقصر اصلی والدین او هستند. اگر فرزند جلو
دیگران دعوا می کند یا ناسزا می گوید بخاطر این است که والدین به او ادب یاد ندادند
و مثل علف هرزه رشد کرده است!

حکایت

مردی نزد کنفوسیوس حکیم آمد و از فرزند خود شکایت کرد. کنفوسیوس دستور داد
پدر و پسر را زندانی کنند. پس از مدتی هر دو را آزاد کردند. کنفوسیوس به پدر گفت:
نباید از پسر شکایتی می کردی، زیرا اگر از پسر عملی زشت سر زده است، تقصیر
خود توست که او را خوب تربیت نکردی.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «ادب خوب، عامل تزکیه اخلاق است»^۲ و نیز می‌فرماید:
بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب است»^۳

پیش ارباب خرد مایه ایمان **ادب** است

بی «**ادب**» را به سماوات بقا منزل نیست

دامن عقل و **ادب** گیر که در راه یقین

آدمیزاده اگر بی **ادب** است آدم نیست

پیامبر تربیت شده خدا و علی تربیت شده پیامبر

امام علی (ع) فرموده است :

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَدَبُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَدَبُنِي وَأَنَا أُودَّبُ الْمُؤْمِنِينَ^{۴ ۲}.

همانا پروردگار عزوجل، پیامبرش را تربیت کرد و او مرا تربیت کرد، من نیز شما
مؤمنان را تربیت می‌کنم .

به چند نمونه از ادب برخورد پیامبر با دیگران اشاره می‌کنیم:

^۲ غررالحکم/5520

^۳ همان/5036

^۴ محدثی مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 هـ. ق، ج 3، ص 77، ج 8، باب 13، ح 2.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

«رسول خدا با هر کس روبه رو می‌شد، سلام می‌داد، هم به کوچک، هم بزرگ.»^[۵]

هیچ گاه پای خود را پیش کسی دراز نمی‌کرد. هنگام نگاه، به صورت کسی خیره

نمی‌شد، با چشم و ابرو به کسی اشاره نمی‌کرد، هنگام نشستن، تکیه نمی‌داد.^[۶]

وقتی با مردم دست می‌داد و مصافحه می‌کرد، هیچ گاه دست خود را عقب نمی‌کشید، تا طرف مقابل دست خود را بکشد. هیچ خوراکی را مذمت نمی‌کرد.^[۷] به هیچ کس دشنام

و ناسزا نمی‌گفت و سخن ناراحت کننده ای بر زبان نمی‌آورد و بدی را با بدی پاسخ

نمی‌گفت. زیر انداز خود را به عنوان اکرام، زیر پای کسی که خدمتش می‌رسید پهن

می‌کرد.^[۸] از روز بعثت تا دم مرگ، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد.^[۹] هدیه

افراد را (هر چند اندک و ناچیز) قبول می‌کرد. بیشتر اوقات، رو به قبله می‌نشست.

^[۱۰] از انوهایش را پیش اشخاص، باز نمی‌کرد و بیرون نمی‌آورد. بر تندخویی غریبه‌ها در

سؤال و درخواست و سخن صبر می‌کرد. هیچ کس را ملامت و سرزنش نمی‌کرد و در

پی کشف اسرار دیگران نبود.^[۱۱]

خنده‌هایش تبسم بود و هرگز قهقهه سر نمی‌داد.^[۱۲] بسیار شرمگین و باحیا بود. سخن

کسی را قطع نمی‌کرد. از جلوی خودش غذا می‌خورد. کار افراد را به هر شکلی راه

⁵ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۱۸.

⁶ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۳.

⁷ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۲۰.

⁸ طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴.

⁹ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

¹⁰ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

¹¹ طبرسی، حسین بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۱۷.

¹² طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

می‌انداخت و... بسیاری از فضایل برجسته دیگر که همه حاکی از روحی بلند و اخلاقی والا و ادبی متعالی بود. [۱۳]

لاجرم پیشه مردان سخندان **ادب** است

در سماوات بقا منزل مردان **ادب** است

بر سر گنج وجود تو نگهبان **ادب** است

فرق در جنس بنی آدم و حیوان **ادب** است

پیامبر خدا باادب ترین انسان

امام حسین علیه السلام: از پدرم علیه السلام درباره نشستن او [رسول خدا صلی الله علیه و آله] پرسش کردم پس فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌نشست و بر نمی‌خاست مگر آن که ذکر بر لب داشت و جایی را به خود اختصاص نمی‌داد و از این کار، نهی می‌داشت و هرگاه نزد جماعتی می‌رفت در پایین مجلس می‌نشست و به این کار فرمان می‌داد.

بهره هریک از همنشینانش را ادا می‌کرد، تا آن جا که همنشین او فکر نمی‌کرد کسی نزد رسول خدا از او ارجمندتر است.

هر که با او همنشین می‌شد یا پی‌کاری را با هم می‌گرفتند، حضرت آن قدر شکیبایی می‌ورزید تا این که او خود می‌رفت و کسی که از ایشان [برآوردن] حاجتی را می‌طلبید، یا نیازش را برمی‌آورد یا کلامی خوش به او می‌گفت.

گشاده رویی و اخلاقی، همه مردم را در بر می‌گرفت و [دیگر] پدر آنها گشته بود و آنها در (دادن و گرفتن) حق نزد او یکسان بودند.

مجلس ایشان، مجلس شکیبایی، شرم، صبر و امانتداری بود و در آن نه صدایی بلند می‌شد و نه سخن زشتی بر زبان رانده می‌شد و نه خطاهای آن مجلس، گفته می‌شد. همه [در مجلس او] برابر بودند و با تقوا بر یکدیگر برتری داده می‌شد.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

شدند و فروتن بودند، بزرگ را احترام می نهادند و بر کوچک، رحم می آوردند و نیازمند را بر خود ترجیح می دادند و بیگانه را پاس می داشتند.

[به پدرم] عرض کردم: شیوه حضرت صلی الله علیه و آله با همنشینانش چگونه بود؟
فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گشاده رو و خوش اخلاق و نرمخو بود و نه خشن و زمخت و نه، فریاد می کشید و ناسزا می گفت و نه عیب جوئی می کرد و نه بسیار شوخی می کرد.

خود را از آن چه دوست نمی داشت، به غفلت می زد و دیگران را نه از آن نومید می ساخت و نه بدان ترغیب می کرد .

سه چیز را از خود دور کرده بود: لجاجت، پرگویی و بیهودگی و سه چیز را از مردم کنار نهاده بود: هیچ کس را، نه می نکوهید و نه عیب می کرد و در پی جستن زشتیهای او نبود، و سخنی نمی گفت، مگر در آن چه امید ثوابش را می بُرد.
هرگاه سخن می گفت، همنشینانش خاموشی می گزیدند تا آن جا که گویی، پرنده بر سر ایشان نشسته است و هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت می کرد، آنها سخن می گفتند و در خدمت حضرت صلی الله علیه و آله کشمکش نمی کردند.

اگر کسی سخن می گفت، به او گوش می دادند تا از سخن گفتن آسوده شود. سخن آنها نزد حضرت صلی الله علیه و آله ، همان سخن نخستین نفر مجلس بود. از آن چه می خندیدند، او هم می خندید و از آن چه تعجب می کردند، حضرت صلی الله علیه و آله هم تعجب می کرد .

حضرت صلی الله علیه و آله بر خشک و زمخت سخن گفتن شخص غریب و تقاضای او صبر می کرد، تا آن که اصحابش آنها را گرد می آوردند و می فرمود: هرگاه کسی را دیدید که حاجتی می طلبد، او را یاری رسانید.

حضرت صلی الله علیه و آله ، ستایش را از کسی جز از مسلمان حقیقی نمی پذیرفت، و سخن کسی را قطع نمی کرد، تا آن که از حد می گذراند، پس با نهی یا برخاستن، کلام او را قطع می کرد.^{۱۴}

ادب فرزندان را در مهمانی ها مشخص می شود!

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

در مهمانی ها بچه ها دو دسته اند یک دسته آرام . مودب و دسته دیگر شلوغ کارو اذیت کن!

علامه اقبال لاهوری می گوید:

دین، سراپا سوختن اندر طلب* انتهایش عشق و آغازش ادب
آبروی گل ز رنگ و بوی اوست* بی ادب، بی رنگ و بو، بی آبروست
نوجوانی را چو بینم بی ادب* روز من تاریک می گردد چو شب

آقای رسولی گفت پانزده سال با امام در نجف بودم یکبار امام را بدون جوراب ندیدم. یکی از نزدیکان امام گوید :امام خمینی قدس سره وقتی پس از دوران طولانی دوری از وطن به قم آمدند به قبرستان شیخان رفتند و بر سر قبر مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی قدس سره حاضر شدند و در کنار آن نشستند. آن گاه به نشانه تواضع ، یک طرف عمامه خویش را باز کردند و با آنکه همیشه دستمال همراه داشتند با گوشه عمامه خود غبار سنگ قبر استاد را زدودند و سپس به قرائت فاتحه و تلاوت قرآن پرداختند¹⁵).

مرحوم حاجی کلباسی (ره) از علماء بزرگ اصفهان

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

آورده اند که ایشان وقتی به قم آمد و به مزار آن شهر رفت، پا برهنه راه را می پیمود

این مزار پر است از علماء و راویان احادیث؛ از این رو برای ادب نمی :و می فرمود

.خواهم با کفش روی قبورشان بروم

آیت الله بروجردی رحمه الله ، هرگز در کتاب خانه خود نمی خواهید تا کمال ادب را نسبت به کتاب های دینی مراعات کرده باشد. وی فرموده است: «در تمام عمرم، در اتاقی که کتاب حدیث باشد، نخوایدم»¹⁶.

«محدث قمی [نیز] بدون وضو و طهارت، حتی دست به جلد کتاب حدیث نمی زد، چه رسد به اصل جملات حدیث و هرگاه می خواست حدیث مطالعه کند یا بنویسد، با وضو و مؤدب رو به قبله می نشست و کارش را آغاز می کرد.»¹⁷

نقل کرده اند آیت الله بروجردی رحمه الله ، در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه(س) تدریس می کرد. یکی از روزها هنگام درس متوجه شد یکی از شاگردانش به قبر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری رحمه الله تکیه داده

¹⁶ اخلاق (1)، صص 47 و 48.

¹⁷ اخلاق (1)، صص 48.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

است. با تندی به او گفت: «آقا به قبر تکیه نکنید. این بزرگان برای اسلام زحمت کشیده اند، به آنان احترام بگذارید»²¹⁸³.»^{۱۹}

ادب در قرآن

اولا درباره رعایت ادب نسبت به خود قرآن:

روی قرآن چیزی نذارید. قرآن را روی زمین نذارید. قرآن را با احترام دست بگیرید. بالاتر از قرآن نشینید. بدون وضو قرآن را لمس ننمایید. در توالی با خود قرآن نبرید. قرآن را در جیبهای پایینی لباس قرار ندهید. قرآن را به غیر مسلمانان ندهید. قرآن را به کودکان و افراد دیوانه ندهید. قرآن اگر نجس شد فوراً آن را پاک کنید. افرادی که عذر شرعی دارند به هیچ وجه قرآن را لمس نکنند. که خدا خود فرمود: **لایمسه الاالمطهرون** یعنی فقط افراد پاک و طاهر قرآن را لمس می کنند.

در رابطه با اهمیت ادب در قرآن می توان به این آیه رجوع کرد که در آن، رعایت ادب و نگاه داشتن حرمت افراد در روابط اجتماعی، نشانه خردمندی دانسته شده است. [۲۰]
«إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ حقیقتاً کسانی که تو را از پشت اطاق ها بلند صدا می زنند، بیشترشان نمی فهمند.» [۲۱]

¹⁸ <http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id/1611/order/20#book-footnot-8>

¹⁹ 23. اخلاق (1)، ص 48.

²⁰ فرهنگ قرآن، اکبر هاشمی رفسنجانی ج ۲، ص ۴۹۹.

²¹ حجرات/سوره ۴۹، آیه ۴.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

آیت الله مکارم شیرازی در این باره می‌فرمایند: «اصولاً هر قدر سطح خرد و عقل بالاتر رود بر ادب او افزوده می‌شود؛ زیرا «ارزش‌ها» و «ضد ارزش‌ها» را بهتر درک می‌کند و به همین دلیل بی‌ادبی همیشه نشانه بی‌خردی است یا به تعبیر دیگر بی‌ادبی، کار حیوان و ادب، کار انسان است.» [۲۲]

قرآن، کتاب ادب

قرآن، کتاب ادب است و ادب حضور و ادب برخورد را در جاهای مختلف بیان می‌کند. مثلاً می‌خواهیم یک مکان مقدس برویم، قرآن آیه دارد: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى» یا در خصوص ادب برخورد با والدین می‌فرماید: «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، برای ادب ورود به خانه دیگران: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا...» ادب مناظره با مخالف: «جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.» ادب شنیدن صحبت‌ها: «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»، ادب صحبت کردن: «قَوْلًا بَلِيغًا» و «قَوْلًا لَّيِّنًا»، ادب نیکی به دیگران: «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا»، ادب مهمانی: «إِذَا دُعِيتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا»، ادب نشستن در مجالس عمومی: «إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ» و موارد بسیاری که در خصوص آداب، در قرآن کریم بیان شده است.

بزرگان دین این ادب‌ها را رعایت می‌کردند خصوصاً در محضر ائمه (ع). علامه امینی می‌گوید: وقتی وارد حرم حضرت امیر المومنین (ع) می‌شدم همیشه از پایین پا به حرم وارد و بعد خارج می‌شدم و از بالای سر به حرم نرفته‌ام. بسیاری از افرادی که به این

^{۲۲} تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی ج ۲۲، ص ۱۴۰.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

قضیه دقت دارند هیچ وقت از بالاسر وارد نمی‌شوند. می‌روند دور می‌زنند و از پایین پا وارد می‌شوند. آیت‌الله بروجردی و حضرت امام(ره) هنگام خروج از حرم مطهر حضرت معصومه(س) عقب عقب می‌آمدند و پشت به ضریح نمی‌کردند؛ این‌ها را دقت می‌کردند و الحمدلله بسیاری از مردم نیز این‌ها را انجام می‌دهند.

تنها روز باقی مانده از عمرتان را هم صرف تحصیل «ادب» کنید

امام صادق(ع) می‌فرماید: «إِنْ أُجِّلْتَ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِادِّبِكَ لِتَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى يَوْمٍ مَوْتِكَ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَا تِلْكَ الْإِسْتِعَانَةُ؟ قَالَ: تَحْسِينُ تَدْبِيرٍ مَا تُخَلِّفُ وَتُحْكِمُهُ، إِنْ دُرِّعْتَ دُونَ رُحْمَتِ اللَّهِ شَدَى، يَوْمَ يَكُونُ لَكَ فِيهِ عِلْمٌ بِمَا تَعْمَلُ مِنْ عَمَلٍ فَتَعْلَمُ مَا تَكُونُ فِيهِ». در عُمرت دو روز مهلت داده شدی، یک روز آن را برای ادب خود قرار ده تا از آن برای روز مُردنت کمک بگیری، به امام گفته شد: این کمک گرفتن چگونه است؟ فرمودند: به این که آنچه را از خود برجا می‌گذاری، خوب برنامه‌ریزی کنی و محکم کاری نمایی.»

آیت‌الله بروجردی و عدم پذیرش پادشاه عربستان

زمانی شاه عربستان سعودی به ایران آمد و هدایایی برای آیت‌الله بروجردی فرستاد، آقا از میان آن هدایا چند قرآن و مقداری از پرده کعبه را پذیرفت و بقیه را رد کرد. شاه عربستان تقاضای ملاقات حضوری با آقای بروجردی را کرده بود و این تقاضا توسط سفیر عربستان به آقا ابلاغ شد، ولی آقا این تقاضا را رد کرد. وقتی از علت آن سوال شد فرمود: «این شخص اگر به قم بیاید و به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه(ع) نرود، توهین به آن حضرت خواهد بود و من به هیچ وجه چنین امری را تحمل نمی‌کنم». اینها ادب است و آن چیزی که دست بسیاری از افراد را گرفت همین احترام‌ها بود.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

محدث قمی بدون وضو و طهارت حتی دست به جلد کتاب حدیث نمی‌زد. چه برسد به اصل جملات حدیث و هر گاه می‌خواست حدیث مطالعه کند یا بنویسد، با وضو و به صورت دو زانو رو به قبله می‌نشست و کارش را آغاز می‌کرد.

امام علی(ع) می‌فرمایند: «إِنَّ بَذْوَى الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ، نِياز عاقلان به ادب، همانند نیاز کشتزار به باران است». و نیز می‌فرمایند: «لَا تَصْفُو الْخَلَّةَ مَعَ غَيْرِ أَدِيبٍ، دوستی با شخص بی‌ادب، صمیمانه نخواهد شد.»»

ادب در خانواده

شهید حمیدرضا غفوریان، فردی باهوش و مودب بود. برای افراد پیر و ناتوان احترام خاصی قائل بود و در حد توانش به آنان کمک می‌کرد و در احترام به والدینش اسوه بود، به گونه‌ای که مادرش نقل می‌کند: «اگر پایین‌تر از او می‌نشستیم بلند می‌شد و می‌رفت جایی که پایین‌تر از ما باشد بنشیند، هر وقت که از من خداحافظی می‌کرد دست به سینه عقب می‌رفت و بعد برمی‌گشت.»^{۲۳}

حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام فرمود: «حق فرزندیست که تو این است که بدانی...، موظفی فرزندی را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی...»^[۲۴]

²³ <http://www.iqna.ir/fa/news/3715325>

²⁴ مکارم الاخلاق، شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی ج ۲، ص ۳۴۵.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

بعضی با زیرپوش میاند دم درخانه!...اخیرا با تقلید از فرهنگ منحن و پست
غرب!بعضی مردها با شلوارک! توکوچه میاند!

بعضی مردها و پسرها طوری شلوار می پوشند که وقتی برای کاری خم میشوند نصف پشت و باسن آنها پیداست مخصوصا تو خیابونا!

بعضی خانم ها و دخترها هم لباسی می پوشند که ناف اونها پیدااست!

ادب، تاجی است از نور الهی * بنه بر سر برو هر جا که خواهی

که او خضر ره اقبال و جاه است * بر او رنگ سعادت، پادشاه است

(سعدی)

بعضی دخترها توکوچه و خیابان در حال بستنی خوردن می‌اند!

یا اقای هیکللی در خیابان مثلا یرتقال می خورد و یوست ان را همانجا می اندازد!

در حالی که در روایت است خوردن در حال راه رفتن از یستی است!

سرمایه بزرگی و دولت بود ادب کاهنده مشقت و رحمت بود ادب

می‌کوش در ادب که عزیز جهان شوی چون موجب فواید عزت بود ادب

داری اگر هوای بزرگی، ادیب باش مستلزم فنون کرامت بود ادب

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

بعضی فرزندان جواب پدر و مادر رو میدند....

انسان مجاز نیست پدر خود را با نامش صدا بزند و یا در راه رفتن بر او پیشی بگیرد و یا هنگامی که او ایستاده است، بنشیند و حتی در نگاه کردن هم باید حرمت او را نگاه دارد.

: در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

انَّ أبايَ نَظَرَ ألى رَجُلٍ وَ مَعَهُ اِبنُهُ يَمشِى وَ اِلايْنُ مُتَكى عَلى ذِرَاعِ اِلبِ قالَ فَمَا كَلَّمَهُ أبايَ عَلىهِ السَّلامُ مَقْتاً لَه حَتى فَارَقَ الدُّنْيا(380).

((روزی پدرم امام سجاد علیه السلام پدر و پسری را در حال حرکت دیدند که پسر سرش را به کتف پدر تکیه داده بود. تا زمانی که پدرم، زنده بود، به خاطر خشمی که از این عمل بی ادبانه او پیدا کردند، با این پسر سخن نگفتند.))

امام صادق علیه السلام سفارش کرده است: «حتی» هنگامی که پدر و مادرتان شما را می زنند، شما از درگاه خدا برای آن دو طلب غفران و بخشش کنید.» باز همان حضرت می فرماید: اگر پدر و مادر صدایشان را بلند کردند شما صدایتان را آهسته کنید و با آرامش با آنان سخن بگویید.» حتی نباید پدر و مادر را به نام کوچک صدا بزنند. نگریستن از روی مهربانی و عطوفت به صورت والدین، عبادت است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ گاه چشمانت را از نظر کردن به والدین پر مکن، مگر با رحمت و مهربانی.»

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

نقل شده وزیری با پدرش خدمت حضرت امام رسید. وزیر جلوتر از پدرش حرکت کرد و وقتی محضر امام مشرف شد به امام عرض کرد این پیرمرد پدرم می باشند. حضرت امام به وزیر گفتند چرا جلوتر از پدرت حرکت کردی؟^{۲۵}

دکتر فاطمه طباطبایی در مورد احترام کودکان به والدین در سیره حضرت امام خمینی چنین نقل می کند: یادم است که پسر کوچکم وقتی با تندی جوابم را می داد امام جدا از رفتار او با من ناراحت شدند. بعداً او را جداگانه می خواستند و می گفتند: رفتارت با مادرت خیلی بد بود. به من می گفتند: نباید رفتارش این گونه باشد).^{۲۶}

باز نقل شده وقتی حضرت امام خواستند در 12 بهمن 57 از هواپیما پیاده شوند چون برادر بزرگشان ایه الله پسندیده بودند امام قبول نکردند جلوتر از برادرشان پیاده شوندند!^{۲۷}

آیت الله توسلی درباره ایه الله پسندیده برادر بزرگ حضرت امام می گوید: «ایشان فردی بودند بسیار مؤدب. در زمانی که در خمین بودند، هیچ گاه نبود کسی بر ایشان وارد شود و بدون عبا و عمامه در مجلس، و اگر چه ملاقات کننده یک نفر باشد، حاضر شوند. از جهت نظافت نیز کمتر کسی را نظیر ایشان دیدم.»^{۲۸}

جایگاه ادب در بیان نورانی مولا علی(ع) عقل شمرده شده و فرموده اند: «هر چیزی محتاج عقل است و عقل محتاج ادب است». از این روایت نورانی حضرت امیر(ع) استفاده می شود که امور عقلی در بروز و ظهور خود محتاج ظرفی است که به آن ادب

²⁵ حجت الاسلام جمی، پیام انقلاب، شماره 69

²⁶ زن روز، ص 117، شماره 1267.

²⁷ نشریه حضور، ش 17، پاییز 1375، ص 362.

²⁸ <http://wiki.ahlolbait.ir>

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

گفته می‌شود. همچنین فرمودند: «ادب نیکو، زیور عقل و خرد است»^[29]، امام حسین(ع) در یک روایت نورانی می‌فرمایند: «کسی که عقل ندارد، ادب نیز نخواهد داشت»^[30].

جلو آدم بزرگی که در مجلس نشسته نباید بی ادبی کرد... امام هادی علیه السلام دید جوانی در مجلس می‌خنده می‌کند ...

ابوحسین سعید پسر سهل بصری ملاح می‌گوید:
روزی امام هادی علیه السلام به مجلس ولیمه یکی از فرزندان خلیفه عباسی دعوت شد. همراه امام وارد مجلس شدیم. حاضران با دیدن امام به احترامش سکوت کردند. ولی جوانی در این مجلس حضور داشت که احترام امام هادی را نگه نداشت و در مجلس به خنده و حرف‌های یاهو مشغول بود. در این هنگام حضرت هادی علیه السلام رو به او کرد و فرمود: «در خنده زیاده‌روی می‌کنی و از یاد خدا غافل هستی، در حالی که سه روز بعد در قبرستان خواهی بود».

جوان ساکت شد و چیزی نگفت. ما روزها را شمارش کردیم، دقیقا پس از سه روز از دنیا رفت و همان روز به خاک سپرده شد.^{۳۱}

²⁹ تاریخ ادبیات زکاء الملک.

³⁰ داعی الاسلام، سیدمحمد، فرهنگ نظام، تهران، 1362ش.

³¹ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۸۱، ح ۵۷.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

تو مراسم سر غذا دعوا می کنند! افراد بی ادب در مراسمی که غذا توزیع می کنند دعوا و نزاع درست می کنند که گاهی این دعواها به جاهای باریک همچون کشته شدن می انجامد مانند نمونه زیر:

گروهی از مهاجران در جنوب شرق آسیا که از راه دریا به اندونزی رسیده اند گفتند که دعوا و درگیری بر سر غذا در کشتی حامل آنها حدود ۱۰۰ کشته به جا گذاشته است.

پناهجویانی که توانسته اند خود را به اردوگاه های آچه در اندونزی برسانند می گویند که تعدادی از مهاجران همدیگر را با چاقو زده اند، یکدیگر را خفه کرده یا به دریا پرتاب کرده اند. چند مسافر مستقل از هم در این کشتی روایات مشابهی از آنچه رخ داده تعریف کرده اند. ۷۰۰ مهاجری که از این واقعه جان سالم به در برده اند، می گویند که مقصد آنها مالزی بوده، اما نیروی دریایی مالزی کشتی آنها را دور کرده است. گفته می شود که این کشتی حدود دو ماه روی آب بوده و در نهایت ماهیگیران اندونزی روز جمعه ۱۵ مه مسافران آن را نجات داده اند!^{۳۲}

نمونه دیگر!

کتک کاری خلبان و کمک خلبان عراقی بر سر غذا در میان آسمان

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، یک هواپیمای متعلق به شرکت هوایی عراق که از فرودگاه مشهد بلند شده بود در حالی در بغداد به زمین نشست که یکصد و پنجاه مسافر آن ممکن بود به دلیل دعوا و کتک کاری میان خلبان و کمک اش هرگز به سلامت از هواپیما خارج نشوند.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

نکته جالب در این میان این است که دعوا در حین پرواز و بر سر یک وعده غذا صورت گرفت.

کمک خلبان در این نامه می افزاید: «خلبان پس از خوردن غذا، با عباراتی نامناسب من را مورد خطاب قرار داد و سپس ضمن توهین کتکم زد. این مسئله سبب شد تا یک از اعضای تیم امنیتی وارد کابین شود».^{۳۳}

تو کوچه آب دهان می اندازند!

تو محل کار پاشو رو میز اداری میذاره!

بچه همش دستش تو دماغشه!

خانمی نوشته: من مشکل دارم با پسر 2 سالم

همش دستش تو دماغشه تا حدی که دیروز خون اومد

ولی هر کاری می کنم ترک عادت نمی کنه

منو راهنمایی کنید

خانم دیگری نوشته:

پسر بچه من مدام دستش به آلتش هست چی کار کنم؟

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

سومی نوشته:

ما دو تا پسر 8 ساله توی فامیلمون داریم . اونا هم همش دستشون به اونجاشون گیره!
کارشناس درباره راههای برخورد با عادت انگشت تو دماغ کردن فرزند نوشته است:
اشکال این عمل را برای کودک شرح دهید

توجه کودک را به کاری که می کند جلب کنید، دستمالی در اختیار او قرار دهید و از وی بخواهید برای تخلیه حفره بینی اش از دستمال استفاده کند. این تذکرات را در صورت نیاز تکرار کنید. اگر انگشت داخل بینی کردن یک عادت تازه در وی است، احتمال دارد چیزی داخل بینی کودک باشد، مانند مخاط اضافه که باعث آزار وی می شود. اگر عادت است که مدتهاست آن را انجام می دهد، ممکن است ناخودآگاه این کار را انجام می دهد. پس هر زمان که انگشت اش را داخل بینی کرد او را متوجه کنید و از او بخواهید دستش را بشوید.

برایش توضیح دهید که این عادت تمیزی نیست و باعث زخم و عفونت داخل بینی می شود، حتی چون موجب پخش میکروب ها می شود می تواند باعث بیماری دیگران هم بشود.

از ابزار و لوازم موجود برای ترک این عادت کمک بگیرید

محصولات زیادی برای ترک این عادت در فروشگاه ها موجود است اما ساده ترین کار بانداژ کردن انگشت کودک است. به خصوص در مواردی که کودک ناخودآگاه مرتکب این عمل می شود نقش بازدارنده می تواند داشته باشد

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

جایگزین کنید

گاهی اوقات کودکان این کار را برای مشغولیت انجام می‌دهند و برای رفع کسلی و ملولی مرتکب آن می‌شوند. اگر کودک شما زمان زیادی را بدون حرکت صرف تماشای تلویزیون می‌کند، مشغولیت دیگری برای او فراهم کنید. چون اگر دستان وی مشغول باشند کمتر تمایل دارد آنها را داخل بینی‌اش کند.

کمک بگیرید

انگشت داخل بینی کردن در نوع خود نمی‌تواند موردی جدی و نگران‌کننده باشد اما اگر دفعاتاً ایجاد شده باشد و به خصوص اگر همراه مشکلات دیگری مانند شب ادراری بروز کند باید پیگیری جدی تری بشود در این موارد حتماً با پزشک متخصص مشورت کنید

نادیده بگیرید

اگر همه این راهها را تست کردید و فایده‌ای نداشت، این حرکت کودک را نادیده بگیرید فقط همیشه مراقبت کنید ناخن‌های کودک کوتاه باشد و تیزی‌های آن را نیز بگیرد^{۳۴}

هر که در خوردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست

چوب تر را چنانچه خواهی پیچ نشود، خشک جز به آتش، راست

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

سعدی

در روایتی از علی علیه السلام نقل است: «از جمله حقوقی که فرزند بر عهده پدر دارد، این است که او را ادبی شایسته و نیکو بیاموزد».

گیس و گیس کشی در خیابان!

گاهی دیده شده زنها و دخترها تو خیابون گیس و گیس کشی راه می اندازند و کلیب و فیلم انها را گرفته در فضای مجازی می گذارند.

دخترها جلو برادر و پدر لباسهای تنگ و خیلی بی می پوشند! درحالی که خیلی ها می گفتند ما تو عمرمون موی سر مادرمون رو ندیدیم چون همیشه پوشیده بودند!

بعضی از مردم مانند مردم دزفول از روی ادب اسم همسر خود را جلوی دیگران نمی آورند بلکه می گویند مثلاً مادر علی.

خنده در تشییع جنازه بی ادبی است!

لباس ورزشی کشتی گیرها و وزنه بردارها و شناگرها، بی ادبی است!

سینه زنانی که لخت می شوند بی ادبی هست

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

عطر نمی زند و بدنش بو می دهد..مردی که می خواست زن دوم بگیرد...

در یکی از پرونده های شکایت زن از شوهرش آمده که شوهرم می خواهد زن دوم بگیرد وقتی از شوهر علت این تصمیم را می پرسند می گوید **همسرم به خودش نمی رسد حتی پیش او می نشینم بوی پیاز و سیب زمینی می دهد!لذا می خواهم زن بگیرم!**

ژولیده و بی نظم است!

معمولا در اطاقش که وارد می شوی می بینی همه چیز بهم ریخته است و چیزی در جای خود نیست .حتی می خواهد جوراب بپوشد باید یکساعت بگردد تا جورابش را پیدا کند!

یکی بود سر سفره فین می کرد

یه مومنی بود وقتی در مهمانی شرکت می کرد هنگامی که غذایش را تمام می کرد سر سفره فین بلندی می کرد!

که این کار زشت و خلاف ادب است.

به خانه مردم نگاه می کند

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

وقتی در کوچه و خیابان می رویم اگر در خانه ای باز است نباید به داخل آن نگاه کنیم
این خلاف ادب است.

به دخترها متلک می گوید

جوانانی که به دخترها متلک می گویند جزو افراد بی ادب هستند!

تو اتوبوس سرش رو تو سر زنش کرده!

گاهی دیده شده که زن و مردی حالا زن و شوهر هستند یا نه! معلوم نیست. ولی جلو
بقیه مسافرها حرکات ناشایستی انجام می دهند!

شوخی های ناپسند!

در شوخی های جمعی، گاهی صدای بزرگان ورزشی را تقلید می کنند، گاهی صدای
خواننده ها را در می آورند و گاهی به یک قوم و یک زبان هجوم می آورند.
گاهی به بزرگان ادب و مفاخر علمی به بهانه طنز هجوم می آورند و گاهی حدیث و
آیه جعل می کنند و گاهی 'عکس نوشت' می گذارند.
گاهی با دابسمش ها، شخصیت افراد را تخریب می کنند و گاهی بی هیچ پروایی در
قالب شوخی، سر ناسزا به این و آن را در پیش می گیرند.
گاهی در یک برنامه تلویزیونی به منزله شوخی، شخصیت انسانی و کرامت را زیر سوال
می برند، در حالی که تلویزیون باید دانشگاه عمومی باشد.
گاهی در دوبله فیلم های خارجی از کلمات و دشنام هایی استفاده می شود که برای هر

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

کدام از این کلمات می شود حد فقهی و مجارات تعیین کرد .

حتی برخی از جوانان فکر می کنند که اگر با القاب ناپسند یا نام حیوانات با دوستان خود شوخی های کلامی کنند، به واسطه آن روابط اجتماعی شان با دوستان صمیمی تر می شود.

این شوخی ها گاهی از زبان بزرگسالان نیز بر زبان می ریزد چه آنجا که پدری به فرزندش یا دوستی به دوست دیگرش از واژه ها و القاب فرومایه و دون مرتبه استفاده می کند.

به طور مثال در یکی از شبکه های اجتماعی به منزله دستمایه شدن برخی تکه کلام ها ، با نام حیوانات و القاب دیگر همدیگر را صدا می زنند و حتی تولید کنندگان این تصاویر از این که لایک های زیادی می خورد ، خرسند هستند .

حتی گاهی به منظور شوخی ،عکس های دیگران را از طریق فتوشاپ دستکاری می کنند که این خود نوعی سند جعل محسوب می شود.

گاهی دو راننده در تقدم عبور از یک چهارراه ،متلک هایی را نثار هم می کنند که در هیچ فرهنگ لغتی، معنایی برای آن وجود ندارد.

گاهی در ورزشگاهها نیز هواداران دو تیم،رکیک ترین دشنام را نثار هم می کنند یا داور و مربیان و بازیکنان حریف را فحش باران می کنند.

زیر عکس های منتشر شده در اینستاگرام یک ورزشکار یا به شوخی یا به جد، پر می شود از دشنام هایی که ،بیان هر کدام از آنها در حد یک بزه اجتماعی محسوب می شود.

گاهی صفحه اول یک روزنامه یا سایت ،بدون این که بار معنایی کلام برای مخاطب

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

مشخص باشد در قالب طنز کلمه منتشر می شود که عبید زاکانی با آن نیش و کنیه هایش، هرگز آن را در موش و گربه هم به کار نبرده است.

با این اوصاف، کاربرد این واژگان علاوه بر این که نظم عمومی را برهم می زند به عنوان جرمی قابل پیگیری است که حتی در قانون و فقه اسلامی برای آن ' حد ' تعیین شده است.

شوخی های بد زبانی یا توهین و دشنام و متلک عبارت است از اینکه انسان امور بد و زشت را به واسطه کلمات صریح و در بعضی موارد رکیک و زننده بیان کند...^{۳۵}

یکدیگر رو با القاب نامناسب صدا می زنند!

بعضی نماینده های مجلس چرا مواظب زبانشان نیستند! **نماینده ای در صحن مجلس و جلسه ی علنی و از پشت تریبونی که مستقیماً از رادیو در حال پخش است به نماینده ی دیگر می گوید: «خفه شو! بتمرگ ... پفیوز»!**

همچنین همین نماینده مجلس! به انتقاد یک جوان – که هم سو با او و حامی دولت است – با الفاظی مثل «احمق» و «نادان» واکنش نشان می دهد!^{۳۶}

علی کرد رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس شورای اسلامی، با تاکید بر اینکه ادبیات نماینده مجلس باید درست و به دور از بی ادبی باشد، اظهار کرد: همه سخنان، اعمال، رفتار، نوشتار و کردار ما باید الگو باشد و در برخورد با مردم شریف ایران باید نهایت

³⁵ <http://www.irna.ir/fa/News/82085034>

³⁶ <https://www.welayatnet.com/fa/news/136666>

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

مراعات ادب، صبر، بردباری و مقام نمایندگی مجلس را باید به کار ببریم و باید با تعامل پیش برویم³⁷.

پاسخ بی ادبانه و تمسخر آمیز وزیر

به گزارش گروه دیگر رسانه‌های خبرگزاری دانشجو، در ساعات اخیر، فیلمی از وزیر ... در شبکه‌های مجازی منتشر شد که در آن پیرمردی از شهرستان بجستان برای درد دل و گفتن کمبودها نزد وزیر ... رفته است پس از آنکه خواسته اش را با وزیر مطرح می‌کند، با پاسخ بی ادبانه و تمسخر آمیز آقای وزیر مواجه می‌شود.

در این کلیپ که در آن جمعیت بسیاری اطراف آقای وزیر جمع شده اند، پیرمردی جلو رفته و می‌گوید در پرداخت هزینه‌های فیزیوتراپی همسرش ناتوان است و نمیتواند این هزینه‌ها را پرداخت کند. اما بصورت غیر منتظره‌ای با پاسخ تمسخر آمیز وزیر مواجه می‌شود و به پیرمرد می‌گوید: «فیزیوتراپی کاری ندارد، خودت بمال دیگه! مالیدن که بلدی! اگر تهران زندگی کردی باید بلد باشی!»!

این البته تنها مورد از برخورد تحقیر آمیز وزیر ... با دیگران نیست و وی قبلا هم از این ادبیات فاخر استفاده کرده بود. چند روز پیش نیز این وزیر در واکنش به فشارهای اقتصادی بر مردم گفته بود «فعلا وضعیت و مدیریت همین است، بی خود روح و روان و اعصاب را آزار ندهید»!

اهمیت و ارزش ادب

لحن غیرمودبانه سخنان وزیر... به گونه‌ای بوده است که حتی صدای حسام الدین آشنا،

مشاور فرهنگی رئیس جمهور هم که معمولاً در توجیه عملکرد دولت کم نمی‌گذارد،

درآمده و از وزیر ... خواسته «بهداشتی» سخن بگوید.^{۳۸}

از خدا خواهیم توفیق ادب

بی ادب محروم ماند از لطف رب

بی ادب تنها نه خود را داشت بد

بلکه آتش در همه آفاق زد

...

از ادب پرنور گشته‌ست این فلک

وز ادب معصوم و پاک آمد ملک

بد ز گستاخی کسوف آفتاب

شد عزازیلی ز جرات رد باب

مولوی

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

امام صادق (ع) : بهترین چیزی که پدران برای فرزندان خود به ارث میگذارند ، ادب است نه مال ، زیرا مال از بین میرود و ادب باقی می ماند. کافی جلد ۸ صفحه ۱۵۰
حدیث ۱۳۲

معلم دانش آموز رو تنبل بی خاصیت صدا بزنه! زن شوهرش رو الاغ خطاب کنه! شوهر زنش رو به نام خیلی بدی صدا زده! و....

القاب زشت

با توجه و دقیق شدن به اطراف خویش درمی یابیم که گذاشتن القاب زشت و ناپسند و مورد، تمسخر قرار دادن اطفال، نوجوانان و جوانان در شرایط کنونی به یک فرهنگ مبدل شده است. دیده شده که این گفتار زشت و ناپسند نه تنها در جمع دوستان و همصنفی ها رایج بوده بلکه برادر خواهر حتی والدین نیز بالای فرزندان خویش القاب زشت، تمسخر آمیز و ناپسند به طور مثال دراز، قدو، سیاه، انتیک، سرخه، جندک، قاق روده و امثال این ها را می گذارند.

کاظم سیبیل، ، شوربا تقی، کچل اصلان، میر قارقا، ساری قلی خان، یوسف سینما، ، حاج محسن خرخر، فندق، حسن زلزله، اکبر بیلیارد، ، اکبر میکروب، ، لوطی بهروز، میمون احد، و...

کارشناسی می گوید:

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

زمانی که زوجین یکدیگر را با یک اسم خاص خطاب کنند کم کم محبت و عاطفه‌ها
میان زن و شوهر از بین می‌رود.

زمانی که زن و شوهر به شوخی یک اسم نامناسبی بر یکدیگر می‌گذارند این امر اندک
اندک منجر به آن می‌شود که شخص باور کند من چنین ایرادی را دارم و نه تنها ایراد
را رفع نمی‌کند بلکه، آن ایراد را برجسته می‌کند که این موجب می‌شود کانون خانواده
از بین برود^{۳۹}

نام بردن و خطاب کردن با القاب زشت، از جمله مصادیق منکر اخلاقی و حرام در دین
اسلام می‌باشد؛ چرا که کرامت انسانی یکی از ارزش‌های اجتماعی است که همه انسان
ها بدان نیاز دارند و بدون آن، زندگی اجتماعی دشوار می‌گردد. تمسخر و با لقب زشت
صدا زدن (تنبُّز)، کرامت انسانی را مخدوش کرده و ارزش و احترام فرد را نزد دیگران
از بین می‌برد.

روزی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به رسالت مبعوث شد، برخی از شهرها و
آبادی‌ها نام‌های زشت و بدی داشت، و بسیاری از قبایل با لقب‌های زشت و زننده
اشتهار یافته بودند. ملّت عرب برای فرزندان خود نام و لقب زشت و زننده حاکی از
درندگی و غارتگری می‌گذاشتند. قدم مؤثری که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دستور
قرآن برداشتند این بود که نام بسیاری از شهرها و روستاها و القاب گروهی از قبایل و

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

افراد را که نام و نشان بدی داشتند عوض کردند و فراتر از آن، دستور دادند که برای فرزندان خود نام نیک انتخاب کنید. مثلاً کسی که اسمش عبد الشمس بود به عبد الله تغییر میداد و کسی که لقبش سخیف بود، کلمه‌ی شریف را جایگزین می کرد. روزی یکی از خادمان بتکده ای مشاهده کرد که روباهی بر سر بتی ادرار کرده است؛ او با خود اندیشید: این چگونه معبودی است که نمی تواند از خود دفاع کند و توان دور کردن یک روباه را ندارد و این حقیقت و احساس درونی را ضمن شعری بیان کرد و گفت:

أَرَبُّ يُولُ الثَّغْلَانِ بِرَأْسِهِ لَقَدْ ذَلَّ مَنْ بَالَتْ عَلَيْهِ الثَّعَالِبُ

آیا بتی که روباه بر سر آن ادرار می کند و آلوده اش می سازد، معبود است؟ هر موجودی که روباه بر آن بول کند، خوار و ناتوان است.

او پس از دیدن این صحنه، خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد و ماجرا را تعریف کرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نام او سؤال کرد. او گفت: نام من «غای بن ظالم» است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فوراً نام او را تغییر داد و فرمود: نه بلکه تو راشد بن عبدالله هستی.

اسم و لقب نمادی است که با حمل بار معنایی خاص خویش، فرد را با هویت خاصی به دیگران معرفی می نماید. بنابراین، کاربرد القاب زشت برای دیگران وجهه اجتماعی منفی از وی متجلی خواهد ساخت و ازاین رو، در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

برخی ها دیگران را با القاب زشت صدا می زنند تا از این طریق آنها را تحقیر کنند، شخصیتشان را بکوبند، و یا احیانا از آنان انتقام گیرند، و یا اگر کسی در سابق کار بدی داشته سپس توبه کرده و کاملا پاک شده باز هم لقبی که بازگو کننده وضع سابق باشد بر او می گذارند.

اسلام صریحا از این عمل زشت نهی می کند، و هر اسم و لقبی را که کوچکترین مفهوم نامطلوبی دارد و مایه تحقیر مسلمانی است ممنوع می داند.

اهمیت حفظ آبرو

اسلام برای حفظ آبرو، حرمت و شخصیت مؤمنان اهمیت زیادی قائل است. آبروی مؤمن را برابر با خون وی می داند. تا آنجا که هم به خود مؤمنان دستور می دهد که آبروی خود را حفظ کنند و هم به دیگران می فرماید که آبروی مؤمنان را حفظ نمایند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ؛ همه چیز مومن محترم است و باید حفظ شود: آبرو مال و خون».

حفظ آبرو و حرمت مومن در غیاب و حضور در روزنامه و رادیو و در جلسه خصوصی و عمومی لازم است و بر همه مسلمانان واجب است که زمانی که مومن و مسلمانی را خطاب قرار می دهند با القاب زشت خطاب قرار ندهند. از این معنی هم نباید چشم پوشی کرد که نه تنها حفظ آبروی تک تک مومنان واجب است بلکه حفظ آبروی هر صنف و گروهی از مومنان (همچون روحانیت متعهد) هم ضروری است. و در راس همه واجبات حفظ آبروی نظام اسلامی و شخصیت های موثر در آن می باشد که در واقع حفظ حرمت همه مسلمانان است.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

تنابز در قرآن کریم

دستور قرآن کریم آن است که افراد در تعاملات گفتاری با یکدیگر باید از صدا زدن با آنچه که مورد پسند شخص نیست و آن را دوست نمی‌دارد پرهیزند مانند اینکه به دلیل ارتکاب رفتاری خاص، لقبی بد بر کسی نهند. فرقی نمی‌کند که به چه دلیلی فرد خطاب‌شونده به آن لقب زشت و ناپسند معروف شده باشد اعم از آنکه در گذشته مرتکب گناهی شده باشد یا رفتار نامناسبی از خود ابراز کرده باشد که دیگران آن را با لقبی خاص صدا زنند.

قرآن کریم در سوره حجرات، مومنین را از نام و صدا زدن همدیگر با القاب زشت نهی و لا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ «: می‌کند و می‌فرماید يَتَّبِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و «استمگرند»

یهودیان و مسیحیان که «: صاحب تفسیر نمونه در شان نزول آیه فوق می‌نویسد مسلمان می‌شدند، پس از اسلام آوردنشان بعضی از مسلمانان به آنان می‌گفتند: ای یهودی! ای مسیحی! که از طرف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نهی شدند

در حدیثی آمده است که روزی "صفیه" دخترحیی ابن اخطب (همان زن یهودی که بعد از ماجرای فتح خیبر مسلمان شد و به همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آمد) روزی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد در حالی که اشک می‌ریخت، پیامبر

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

اکرم(صلی الله علیه و آله)از ماجرا پرسید، گفت: عایشه مرا سرزنش می کند و می گوید:

ای یهودی زاده! پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله)فرمود: چرا نگفتی پدرم هارون است، و عمویم موسی، و همسر محمد (صلی الله علیه و آله)؟ و در اینجا بود که این آیه نازل شد. چه ظلمی از این بدتر که انسان با سخنان نیش دار، و تحقیر و عیبجویی، قلب مردم با ایمان را که مرکز عشق خدا است بیازارد، و شخصیت و آبروی آنها را که سرمایه «بزرگ زندگی آنان است از بین ببرد

به همین جهت در پایان آیه می افزاید: بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان آوردن نام کفر بگذارند بِئْسَ الْاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ

از این که خداوند از استهزا، طعن و بدگویی نسبت به مؤمنان به طور مجزا و مؤکد نهی کرده و آن را گناه و ظلم شمرده است؛ مقام و حرمت مؤمن نزد خداوند استفاده می شود به خصوص واژه «بَعْدَ الْاِيْمَانِ» می رساند که حضور در جرگه مؤمنان، فرد را در جایگاه محترمی قرار می دهد.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) در وصف برجسته پارسایان و متقین، عدم تنابز را از جمله اوصاف پارسایان معرفی نموده و می فرماید: «لَا يُضَيِّعُ مَا اسْتُحْفِظَ وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ وَلَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ وَلَا يُضَارُّ بِالْجَارِ وَلَا يَشْتُمُ بِالْمَصَائِبِ وَلَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ؛ آنچه حفظش را به او سپرده اند تباه نمی سازد و آنچه را به او تذکر داده اند، فراموش نمی کند. مردم را با نامهای زشت نمی خواند و به همسایگان زیان نمی رساند.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

مصیبت زده را شماتت نمی کند. در امور باطل وارد نمی شود و از دائره حق بیرون نمی رود.»

پرهیزگاران واقعی سخن نیک گویند و اگر سخنی نیک برای گفتن نداشته باشند، سکوت می کنند، آنها را به مجالسی که مؤمنین در آنها مسخره می شوند، راهی نیست، اگر در مجلسی هم باشند و چنین عملی از دیگری سرزند از آن جلوگیری می کنند.

راوی گوید: «شنیدم روزی حضرت رضا علیه السلام این شعر را می خواند و کم اتفاق می افتاد که حضرت شعر بخواند: همه ما آرزو می کنیم که عمرمان دراز گردد ولی مرگ ها آفت های آرزو هستند آرزوهای باطل تو را فریب ندهد و تو از راه اعتدال و میانه جدا نشو و از خودت بهانه ها را جدا ساز

دنیا تنها چون سایه ای است از بین رونده که سواری در آن بنشیند و سپس کوچ کند و برود.

گفتم: خداوند امیر را عزّت دهد! این شعر برای کیست؟ حضرت فرمود: یکی از اهل عراق شما

گفتم: این شعر را ابوالعتاهیه (ناقص العقل) که سروده خود اوست برایم خوانده است. حضرت فرمود: اسم او را بیار و این را از خودت دور ساز (منظور کنیه ابوالعتاهیه است). خداوند سبحان و متعال می فرماید: «و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید» و «شاید این مرد از این کنیه خوشش نیاید»

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «کسی که شخصی را به غیر نام خودش (با «القاب زشت) صدا کند فرشتگان او را لعنت می کنند

قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر شاید آنها بهتر از اینان باشند

در شأن نزول این آیه آمده است که شخصی به نام «ثابت بن قیس» شنوایی ضعیفی داشت و به همین جهت، همیشه کوشش می کرد زودتر به مسجد بیاید تا در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جای گزیند. اتفاقاً یک روز آمدنش به تأخیر افتاد. مردم نمازشان را خواندند و آماده شنیدن سخنان نبی اکرم (ص) شدند که «ثابت بن قیس» وارد مسجد شد و به شیوه همیشگی می گفت: راه را باز کنید، راه را باز کنید. و از روی شانه‌های مردم می گذشت تا نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برود. یکی از نمازگزاران به او گفت: به مجلس رسیدی، همین جا بنشین. «ثابت بن قیس» با خشم و ناراحتی همان جا نشست. وقتی هوا روشن شد، گفت: آن کس که به من گفت همین جا بنشین، چه کسی بود؟ آن مرد خود را معرفی کرد. «ثابت بن قیس» گفت: تو پسر همان زنی هستی که ... (مادرش در زمان جاهلیت مرتکب کارهای زشت می شد). آن مرد خجالت کشید و سر به زیر افکند. آن گاه آیه مزبور نازل شد که یکدیگر را به زشتی یاد نکنید.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) زشتگویی و نیش زدن زبانی را روش فرومایگان دانسته می فرماید: «سُنَّةُ اللَّئَامِ قَبِيحُ الْكَلَامِ؛ شیوه افراد فرومایه و پست، زشتی سخن است.»

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

شوخی بی جا ممنوع!

انسان به طور طبیعی از شوخی و مزاح و مداعبه خوشش می آید؛ زیرا شوخی بجا و زیبا موجب نشاط و سرزندگی آدمی می شود؛ اما به شرط آنکه مراعات حرمت ها شود و گرایش به زشتی و پستی پیدا نکند. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بَلَا رَقَتْ؛ خداوند عز و جل دوست دارد کسی را که در میان جمع شوخی کند به شرط آنکه ناسزا نگوید.» پس نباید کاری کرد که شوخی بستری برای دشنام گویی و زشت گویی شود.

خدا دشمن دارد...

امام باقر (علیه السلام) در این باره می فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَّانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ؛ بگویند به مردم بهترین چیزی را که دوست دارید به شما گفته شود؛ زیرا که خداوند مبغوض می دارد کسی را که ناسزا می گوید و نفرین می کند و بر مردم مسلمان طعن می زند و از ناسزا گفتن و ناسزا شنیدن باکی ندارد.»^{۴۰}

رسول گرامی (ص): هیچ پدری هدیه ای بهتر از ادب نیکو به فرزندش نداده است.^{۴۱}

مهم ترین وظیفه فرزند در قبال پدر و مادر، حفظ حرمت و ادب آنهاست.

گردآورنده: حجت الاسلام مصطفی کوهی^{۴۰}

بزهشکنده امر به معروف و نهی از منکر قم

^{۴۱} کنز العمال جلد ۱۶ صفحه ۴۵۶ حدیث

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «خداوند، اجازه ترک رفتار نیکو با پدر و مادر را نداده است، خواه صالح باشند و یا ناصالح.

ولی بعضی فرزندان را می بینی که:

جلوتر از پدر و مادرش راه میره!

با چشم ادب نگر پدر را* از گفته او میچ سر را

با مادر خویش، مهربان باش* آماده خدمتش به جان باش

ایرج میرز

امام باقر (ع) : سکوت انسان با ادب در درگاه الهی برتر از تسبیح گفتن نادان است.

اعلام الدین

امام علی (ع) : ادب انسان را از حسب و نسب بی نیاز میکند. (یعنی خودش مایه

شرافت است). اعلام الدین

ایستاده ادرار کردن از بی ادبی است!

موقع خوردن غذا صدای بی معنی درآوردن از بی ادبی است!

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

امام حسن عسگری (ع) : در ادب خودت همین کافی است که از آنچه از دیگران نمی
پسندی اجتناب کنی.^{۴۲}

پیرمرد کار بچگی کردن

امام حسن عسگری (ع) : شادمانی کردن پیش (شخص) اندوهناک ، از ادب به دور
است.^{۴۳}

نماز جلو تلویزیون بی ادبی نسبت به خداوند است! با زبان با خدا حرف می زنی ولی
خواست جای دیگر است! این بی ادبی است!

مثال هایی از بی ادبی و بی نزاکتی و بی احترامی در محیط کار

شایعه پراکنی، توهین، بددهنی، موقع صحبت کردن دیگران خود را به چیز دیگری
مشغول کردن مثلاً با گوشی خود

بازی کردن، بلندبلند صحبت کردن، محکم کوبیدن در، غیبت کردن پشت سر افراد و
گفت و گوهایی حاشیه ای که در خیلی

جاها شاهد آن هستیم فقط تعدادی از آنهاست و در برخی از مواقع شکل های حرفه ای
تری نیز می تواند به خودش بگیرد

^{۴۲} الانوار البهیة

^{۴۳} . تحف العقول صفحه ۷۸۴

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

مثلاً اگر کار اشتباهی صورت گرفته به همه نسبت دهد و اگر کار خوب از آب در آمد
!بگوید من انجام داده ام

برهنه شدن جلو دیگران هم گناه هم بی ادبی است.

جوان بی ادبی کلمن آب رو پر از مدفوع کرده بود!

در جلسه سخنرانی بادیگران صحبت کردن

ضرب المثلی فارسی می گوید: « ادب مرد بهتر از زر اوست » .

آروغ زدن

بعضی خانم ها جلو شوهر آروغ می زنند!!! این باعث تنفر شوهر از زن میشود!

برای آنکه ادب و آراستگی داشته باشی، همینقدر بس است که از انجام آنچه در

دیگران نمی پسندی، دوری کنی. (بحارالانوار / جلد 67 / صفحه 73)

دوست داری با تو چگونه رفتار کنند؟ نام و لقب زشت بر تو نگذارند؟ مگر نه اینکه از
توهین و تحقیر و استهزای دیگران نسبت به خودت ناراحت و رنجیده می شوی؟ مگر
نه اینکه دوست داری در جمع مردم، مورد تکریم و تشویق و توجه قرار گیری؟ یکی از
نکات مهم مربوط به معاشرت، آن است که آنچه را درباره خود نمی پسندی، در باره

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

دیگران هم روا ندانی و آنچه نسبت به خویش دوست می داری، برای دیگران هم بخواهی و آنچه را در کار دیگران زشت می شماری، برای خود نیز زشت بدانی. اگر از کارهای ناپسند دیگران انتقاد می کنی، همان کارها و صفات در تو نباشد. این نوعی «خود ادب کردن» است و کسی به این موهبت دست می یابد که از فرزاندگی و هوشیاری و عقلانیتی تیز و بصیر برخوردار باشد.

: این سخن بلند علوی را هم در این زمینه بخوانیم که فرمودند

«افضل الادب ان یقف الانسان علی حده و لا یتعدی قدره»

برترین ادب، آن است که انسان بر سر حدّ و مرز و اندازه خویش بایستد و از قدر خود فراتر نرود. ادب، به خودی خود یک ارزش اخلاقی و اجتماعی است و ارزش آفرین هم برای فرزندان هم برای اولیاء که تربیت کننده آنانند

هر یک از ادب و بی ادبی نشانهایی دارد. شناخت ادب هم جز با توجه به نمودهای بی ادبی میسر نمی گردد. این نمودها و نشانه ها و علایم هم در گفتار نمایان است ، هم در رفتار و برخورد.

*

اگر عاقلانه زیستن و متانت در گفتار و وقار در رفتار، نشانه ادب است. بی خردی، گفتار زشت، بددهانی، تند خویی زشت گویی، دشنام و توهین، سبکسری و خیره سری، لجاجت و عناد و ... هم بی ادبی است

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

*

اگر کنترل دوستیها و معاشرت‌ها ادب است، بی ادبی یعنی رفت و آمد با افراد ناباب و بی دقتی در گزینش دوستان و بی تعهدی در مجالستها و رفاقتها. آنکه زشت گفتار و بد زبان است، به تعبیر حضرت علی (علیه السلام) از ادب بی بهره است: «لا ادب لسیبی».

*

کسی که در برخورد با افراد، حاضر نیست از آنان با عظمت و تکریم یاد کند و مدام به استهزاء دیگران و غیبت آنان مشغول است، آنکه یاوه دیگران را با یاوه و دشنامشان را با دشنامی زشت تر پاسخ می دهد، آنکه در مجالس و محافل و صفها، رعایت حق دیگران و نظم و مقررات و سکوت و نوبت را نمی کند، آنکه حاضر نیست به حرف دیگران گوش دهد، کسی که در گفتگو و بحث، داد می زند، گلو پاره می کند و جانب انصاف و حق را مراعات نمی کند، آنکه ... اینها همه نشانه هایی از فقدان ادب است.

*

ار آن سو، مراعات آداب در خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن یا لخت بودن، خلال کردن، دهن درّه، سرفه، عطسه و ... نشان ادب است. بی ادبی، بی اعتنائی به حقوق و شخصیت و حرمت انسانهاست. اگر کسی هنگام عطسه، آب دهان به سفره و صورت بیفکند، یا به طرز مشمئز کننده ای غذا بخورد، یا به جای تقدیم دو دستی نامه و وسیله و ابزار، آن را پرت کند یا حتی یک دستی بدهد، یا هنگام مطالعه شما، سر و صدا کند،

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

یا هنگام خلوت، سر زده وارد اتاقتان شود، و اجازه ورود نگیرد، اینها نمونه هایی از مراعات نکردن ادب اجتماعی است.

*

جالب این است که اسلام برای همه این موارد، دستور العمل دارد. «تربیت اسلامی» و اخلاق مکتبی، همه دستورها و «یابد» و «نباید» هایش، «ادب آموزی» است. کسی که پای بند تعالیم دین نباشد، از حوزه ادب به وادی بی ادبی پای نهاده است.

رفتار نیک دیگران، بر انسان تأثیر مثبت می گذارد. این امری روشن و طبیعی است. ناپسندیهای اخلاقی مردم نیز تأثیر سوء می گذارد. این هم عادی است. هنر انسانهای فرزانه و هوشمند آن است که از رفتارهای ناپسند دیگران هم عبرت و درس می آموزند.

*

هم نیکان الگوی نیکی اند، هم بدان سر مشق بدی برای غافلان. اما عاقلتر کسی است که از بدیهاراه خوییها را می آموزد. این همان حکمتِ لقمانی است که از فرزاندگی او سر چمسه می گیرد. به قول سعدی

لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان، که هر چه از ایشان در نظرم «ناپسند آمد، از فعل آن پرهیز کردم»

*

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

و اگر جز این بود، لقمان به لقب «حکیم» مشهور نمی شد. آری... ادب آموختن از بی ادبان. همچنان که باید کم حرفی را از وراجان پر حرف و بیهوده گوی الهام گرفت. بزرگواری و کرامت نفس را هم باید از زشتی کار تنگ نظران و خسیس طبعان فرا گرفت. هیچ کس از زشتی و بدی، خوشش نمی آید. پس چرا ما خود را از آن پاک نسازیم که محبوب شویم؟ اگر از زشتیهای دیگران، آموختیم که به خوبیها روی آوریم، «استاد اخلاق» ما در درون خودمان نهفته است. این روش، شیوه آموخته از امیر مؤمنان (علیه السلام) است که فرمود:

اذا رأیت فی غیرک خلقاً ذمیماً فتجنب من نفسک امثاله؛»

*

هر گاه در دیگری اخلاق ناپسندی را دیدی، پرهیز که آن گونه رفتار در خودت نباشد!

عیسای مسیح هم همین روش را داشت. از او پرسیدند: چه کسی تو را ادب آموخت؟ فرمود: کسی مرا ادب نکرد. من، زشتی جهل را دیدم و از آن پرهیز کردم

ادب امام حسن که صد سکه داد ولی فقیری نزد امام حسن (ع) آمد. حضرت صد درهم به او داد.

بعد نزد امام حسین (ع) آمد. امام حسین (ع) نود درهم به او داد و فرمود: اگر اول پیش

من می آمدی من هم صد درهم به تو می دادم. حالا که او صد درهم داده است من به

احترام برادر بزرگم یک قدم عقب تر می روم

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

ادب امام صادق که ساک مهمان را می گرفت

امام علی دست مهمان را شست

راه‌های مناسبی برای روبروشدن سالم با این گونه افراد وجود دارد به این معنا که نه مانند آن‌ها رفتار بی‌ادبانه داشته باشیم و نه به خود آسیب برسانیم :

۱ - نادیده گرفتن رفتار بی‌ادبانه

یکی از بهترین رویکردها در این زمینه نادیده گرفتن افراد بی‌ادب و رفتار بی‌ادبانه آن‌هاست. برخی از مردم رفتار بی‌ادبانه دارند چراکه می‌خواهند دیگران را تحریک کنند یا توجه آن‌ها را جلب نمایند. نادیده گرفتن و به اصطلاح بی‌محلی در چنین مواردی می‌تواند باعث شود که آن‌ها رفتار بی‌ادبانه خود را متوقف کنند. باید بخاطر داشت که دیدگاه دیگران تعیین‌کننده زندگی ما نیست پس مواظب باشیم به دام متلک‌ها یا گفته‌های بی‌ادبانه برخی درباره رفتار و گفتار خود نیفتیم . اگر حرف بی‌ادبانه را در خیابان یا از یک غریبه می‌شنوید آن را نادیده بگیرید و به راه خود ادامه دهید. اگر حرفی بزنید که ناشی از خشم ناگهانی شما باشد احتمالاً بعداً شما را پشیمان می‌کند. گاهی افراد در محیط‌های پر استرس کاری، استرس درونی خود را با گفتار یا رفتار بی‌ادبانه به همکاران خود منتقل می‌کنند. در چنین مواردی می‌توان آن‌ها را نادیده گرفت بخصوص اگر شما هم صادقانه فکر می‌کنید که در شرایط مشابه گاهی با دیگران چنین رفتاری دارید. مداومت در نادیده گرفتن رفتار بی‌ادبانه دیگران شما را مقاوم می‌کند و انجام آن را که در آغاز دشوار به نظر تان می‌رسید آسان‌تر می‌سازد . نکته مهم در نادیده گرفتن بی‌ادبی اینست که: چنین تکنیک رفتاری، در برخورد با برخی موارد بی‌ادبی کارساز است و نه همه موارد آن .

۲ - پاسخ با مهربانی

اگر رفتار یک منشی دکتر، یک مسئول اداری یا فرد دیگر ، با شما بی‌ادبانه بود، سعی کنید که برعکس رفتار بسیار خوبی نشان دهید. به چشمان فرد نگاه کنید و در صورتی که نام او را می‌دانید آن را خطاب کنید و با لبخند، خواسته یا سخن خود را مطرح کنید. اگر فرد موردنظر طبیعتاً آدم بی‌ادبی است شما در واقع با مهربانی خود او را هلاک کرده‌اید و اگر بی‌ادبی او صرفاً ناشی از روز بدش بوده، شما به بهتر شدن وضعش کمک کرده‌اید. این تکنیک رفتاری در بسیاری از موارد کارساز است و باعث رفتار توأم با مهربانی بیشتر از سوی فرد می‌شود .

۳ - گوشزد کردن بی‌ادبی افراد به آنها

اگر فردی که شما می‌شناسید، رفتار بی‌ادبانه‌ای داشت او را به اسم بخوانید و به او احساسات را در مورد رفتارش گوشزد کنید چراکه او ممکن است عمداً آن را نکرده باشد. این گوشزد کردن باید با خونسردی، ملایمت و نهایت ادب صورت گیرد. این کار را حتی با رفتار بی‌ادبانه فرد غریبه نیز می‌توان انجام داد .

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

ضمناً این احتمال هم وجود دارد که شما بدون این که بدانید رفتار بی ادبانه ای داشته اید و فرد مقابل صرفاً نسبت به رفتار شما واکنش نشان داده که اگر چنین است باید عذرخواهی کنید .^{۴۴}

چند راهکار برای داشتن کودکی با ادب

روش های زیر را امتحان کنید:

۱. در برخورد با فرزندان و دیگران از لطفا و خیلی ممنون استفاده کنید.
۲. وقتی کسی صحبت می کند، تفاوتی نمی کند بچه باشد یا بزرگسال، وسط حرفش نپرید. اگر مجبور شدید حرف او را قطع کنید حتماً کلمه ببخشید را به کار ببرید.
۳. در سال سینما، هنگام پخش فیلم، صحبت نکنید.
۴. موقع رانندگی به ماشین های مقابل راه بدهید (وقتی دیگران به همین ترتیب به شما احترام می گذارند، از آن ها تشکر کنید).
۵. موقع عطسه یا سرفه کردن، جلوی دهان و بینی خود را با دستمال بگیرید.
۶. غذا را با دهان بسته بجوید. با دهان پر صحبت نکنید. اول لقمه را قورت بدهید و بعد حرفتان را بزنید.
۷. تحت هیچ شرایطی روی زمین آشغال نریزید.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

۸. وقتی به رستوران می‌روید پس از صرف غذا میزتان را مرتب کنید.
۹. قبل از وارد شدن به اتاقی که درش بسته است، در بزنید.
۱۰. برای دعوت دیگران به نشستن، از کلمه بفرمایید استفاده کنید.
۱۱. در اتوبوس و مترو صندلی خود را به کسی که ایستادن برایش دشوار است بدهید.
۱۲. بابت محبت و هدیه‌ای که دیگران به شما می‌دهند، از آن‌ها تشکر کنید. بگذارید شخصی که به شما محبت کرده بداند که بابت لطفش از او ممنون هستید.
۱۳. آهسته و بدون ایجاد سر و صدا آدامس بجوید و موقعی که خواستید آدامستان را دور بیندازید، آن را داخل یک تکه دستمال گذاشته و به سطل آشغال بیندازید.
۱۴. بسیاری از افراد به دود سیگار، ادکلن، نوع خاصی از غذا، سر و صدا، آلاینده‌های محیطی، بوی رنگ، دود ماشین یا کافئین حساسیت دارند. مراعات حال آن‌ها را بکنید و حتی اگر این چیزها خودتان را اذیت نمیکند.
۱۵. برای فرزندان الگو باشید. اگر توقع دارید کاری را انجام دهد، ابتدا خودتان را مقید به انجام آن بکنید تا هم تاثیر حرفتان بیشتر باشد و هم تقاضای تان از او، منطقی‌تر به نظر برسد (پدری که به فرزند خود می‌گوید دروغ گفتن کار بدی است، ولی خودش دروغ می‌گوید نباید انتظار داشته باشد فرزندش فردی راستگو بار بیاید).^{۴۵}

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

احترام به معلم جزو ادب است

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) درباره مقام معلم می نویسد:
دانشمند بزرگ اسلامی، سید رضی (ره) که جمع کننده نهج البلاغه است، به مناعت و عزت نفس معروف است. در همه عمر از کسی چیزی قبول نکرد و حتی روزی که پدرش چیزی به او هدیه کرد، نپذیرفت تا آن که اتفاق افتاد که یکی از استادان و معلمان وی کتابی یا چیز دیگری به او اهدا کرد. ابتدا خواست نپذیرد و چنین عذر آورد که در همه عمر از احدی چیزی نپذیرفته ام و حتی زیر بار منت پدرم نیز نرفته ام.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

استاد گفت: مگر نمی دانی که در اسلام حق استاد و معلم از حق پدر بالاتر است؟ در مقابل این منطق، سید رضی نتوانست مقاومت کند و ناچار پذیرفت. علم در ذات خود شریف است. فراگرفتن علم، عبادت و طاعت است. تعلیم دادن و یاد دادن به شاگردان بالاترین عبادت ها است. حق استاد و معلم و راهنما از هر حقی بزرگ تر و بالاتر⁴⁶ است.

امام حسن عسکری(ع) فرمود

جوانی، مردی را خدمت امام سجاد(ع) آورد و گفت: او قاتل پدر من است و آن مرد به قتل اعتراف کرد. چون حکم به قصاص کردند، از آن جوان درخواست عفو کرد تا خداوند به او پاداش عظیم دهد.

گویا جوان راضی به گذشت نبود. امام سجاد(ع) به او که استحقاق قصاص خون پدر را داشت، گفت: اگر این مرد بر گردن تو حقی دارد، در مقابل آن از گناه او بگذر. جوان گفت: ای فرزند رسول خدا، او بر گردن من حق دارد، ولی ارزش آن به قدری نیست که برای آن از خون پدرم گذشت کنم

امام پرسید: او چه حقی بر گردن تو دارد؟ گفت: او اصول دین (توحید، نبوت و امامت) را به من آموخته است، او معلم من است. امام فرمود: چگونه این حق با خون پدر تو برابری نمی کند؟! به خدا سوگند، این حق با خون همه انسان ها از اول تا آخر، جز خون پیامبران و امامان(علیهم السلام) برابری می کند

جوان گفت: آری چنین است. امام سجاد به قاتل پیش نهاد کرد که او ثواب کار آموزشی خود را به ایشان دهد تا امام دیه مقتول را بپردازد و از قصاص رهایی یابد.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

قاتل گفت: ای فرزند رسول خدا، من به پاداش این عمل نیازمندترم و شما از آن بی نیازید، چرا که من گناهان بزرگی دارم

امام پرسید: آیا اگر تسلیم مرگ شوی برای تو بهتر است از این که از ثواب این آموزش بگذری؟ او گفت: آری، ای فرزند رسول خدا

داستان ادامه می یابد تا آن جا که حضرت می فرماید: ای جوان، یا تو از قاتل به دلیل کار نیکش بگذر تا من حدیثی در فضیلت رسول خدا برای تو نقل کنم که از همه دنیا برایت بهتر است و یا من دیه قتل پدر را به تو می دهم و آن حدیث را برای او نقل می کنم.

جوان گفت: ای فرزند رسول خدا! من بدون دیه و بدون هیچ چیز دیگر فقط و فقط برای خدا⁴⁷ و درخواست تو از او گذشتم.

رعایت ادب در برابر معلم

رعایت ادب و نزاکت در برابر معلم از جمله وظایف بسیار مهم و اساسی نوجوان است. او باید در مراحل مختلف، از آغاز ورود معلم به کلاس تا پایان ساعت کاری مدرسه در طول سال و حتی سال های بعد، مقام او را پاس دارد و از انجام هر کاری که با شأن و منزلت معلم ناسازگار است و به نحوی او را تضعیف و یا خدای ناکرده تحقیر می کند، خودداری نماید.

امور مورد نظر در این زمینه فراوان است. ما در این قسمت به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

⁴⁷ بحار الانوار، ج 2، ص 12.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

الف) حاضر شدن در کلاس درس پیش از حضور استاد و آماده شدن برای استقبال از او;

ب) بلند شدن هنگام ورود استاد به کلاس و یا فرستادن صلوات

ج) مخاطب قرار دادن استاد با الفاظ مناسب; مانند: شما، فرمودید، آقا، استاد

د) آراستن ظاهر به هنگام ایستادن در مقابل معلم و یا گوش دادن به سخنان او و پرهیز از امور ناشایست; مانند: تکیه دادن، آستین ها را بالا زدن، انگشت در بینی کردن، دست زدن به پهلوی هنگام ایستادن، به این سو و آن سو نگاه کردن هنگام گفت و گو با استاد، دهان باز کردن و خمیازه کشیدن، با دکمه های لباس بازی کردن، به صدا درآوردن انگشتان دست، پرت کردن آب دهان و یا بینی به بیرون، آروغ زدن و غیر آن

ه) اجازه گرفتن برای ورود به جلسه خصوصی استاد

و) استفاده نکردن از کلمات تحقیرآمیز و متداول بین مردم; مانند: فهمیدی، چته، شنیدی، مرد حسابی

ز) صدا نکردن استاد از راه دور

ح) پیش دستی نکردن در پاسخ به پرسش های دیگران از استاد

ط) هنگام همراهی با معلم، جلوتر از او راه نرفتن. 8

در زمینه حقوق معلم و آدابی که باید در برابر او رعایت کرد، حدیث جالب و آموزنده ای وجود دارد که در پایان این بخش آن را با هم مرور می کنیم

امام صادق(ع) فرمود: حضرت علی(ع) می فرمود: (از حقوق معلم این است که زیاد از او نپرسی، لباس او را نگیری، هنگامی که بر او وارد می شوی و نزد او عده ای نشسته اند،

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

بر همگی یک سلام بدهی و بر او یک سلام خصوصی، در مقابل او بنشین، پشت سر او بنشین، با چشم و دست به او اشاره نکن، در مقابل او مگو که فلانی چنین گفت و فلانی چنین [اقوال و نظریه های مخالف را نزد او ذکر نکن و به رخ او نکش]، با نشستن زیاد نزد او، وی را ملول و خسته نساز، زیرا معلم در مَثَل همانند نخل باروری است که باید منتظر بمانی تا میوه ای از او فرو افتد [و تو از آن بهره مند شوی] مقام عالم از روزه دار⁴⁹ شب زنده دار و مجاهد فی سبیل الله برتر است⁴⁸).

باید از استاد به احترام یاد کرد

باید خطاب و جواب دانشجو به استاد، و گفتار او درباره وی - چه در حضور و چه در غیاب او - تواءم با تجلیل و تکریم باشد. او را با تاء خطاب مثلا: «تو گفتی» و یا کاف خطاب مثلا: «تو»، مخاطب قرار ندهد، و از راه دور، او را صدا نزند؛ بلکه باید بگوید: «آقا. و سرور من» و «استاد» و امثال آن (که حاکی از تبجیل و تجلیل استاد است)

واژه هایی که به وسیله آن ها، استاد را مورد خطاب قرار می دهد باید به صورت ساختمان و صیغه جمع باشد. مثلا به او بگوید: در این باره چه می گوئید؟ راءِی و نظریه شما در این باره چیست شما گفتید، خدا هم از شما راضی باشد؛ خدا از شما پرهیزد. خدا شما را پیامرزا

آنگاه که شاگرد نام استاد را در غیاب او به زبان می آورد باید همراه با عناوینی باشد که نمایانگر تکریم و حفظ حرمت او است، مثلا بگوید: آقای... یا بگوید: استاد... یا استاد ما... یا شیخ الاسلام چنین گفت. و بالاخره با امثال اینگونه تعابیر احترام آمیز، از استاد خود در غیاب او یاد کند

⁴⁸ <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/5387/5395/50391>

⁴⁹ اصول کافی، همان، باب حق العالم، روایت 1.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

رعایت ادب و نزاکت برای ورود به مجلس خصوصی استاد

دانشجو نباید بدون اجازه وارد مجلس خصوصی و غیر عمومی استاد گردد - اعم از آنکه استاد تنها بسر برد، و یا آنکه دیگران نیز در حضور او باشند - . اگر برای ورود به مجلس استاد، کسب اجازه کند و استاد هم متوجه کسب اجازه او باشد؛ ولی در عین حال اجازه ندهد، باید برگردد و برای کسب اجازه مجدد، درخواست خود را تکرار نکند. و اگر در اینکه استاد متوجه کسب اجازه او شده، احساس شک و تردید نماید می تواند اجازه و درخواست ورود خود را تا سه بار تکرار کند، ولی از سه بار تجاوز ننماید.

رعایت ادب و نزاکت در خطاب به استاد

باید شاگرد، مواظب طرز سخن گفتن خود باشد، و از به کار بردن تعبیراتی که معمولاً توده مردم در گفتگوهای روزمره خود با یکدیگر، از آن استفاده مینمایند و در خور خطاب به استاد نیست، خودداری کند؛ مثل اینکه بگوید: «چته! فهمیدی! شنیدی! میدانی! مرد حسابی! و امثال اینگونه تعابیر (که تحقیر آمیز میباشد و دون شائن استاد و مقام و منزلت او است)⁵⁰

ادب علامه سید محمد حسین طباطبایی

وقتی استاد ایشان ایه الله سید علی قاضی از دنیا رفتند، علامه تا آخر عمر بخاطر احترام استاد عطر نزدند!

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

حضرت استاد، علاقه و شیفتگی خاصی نسبت به ائمه طاهرین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین داشتند. وقتی نام یکی از آنها برده می شد، اظهار تواضع و ادب در سیمایشان مشهود می شد؛ و نسبت به امام زمان ارواحنا فداه تجلیل خاصی داشتند. و مقام و منزلت آنها و حضرت رسول الله و حضرت صدیقه کبری را فوق تصور می دانستند؛ و یک نحو خضوع و خشوع واقعی و وجدانی نسبت به آنها داشتند، و مقام و منزلت آنانرا ملکوتی می دانستند.

قضیه راجع به حقیر، در حرم حضرت امام رضا علیه السلام این حقیر معمولاً قبل از اقامت در شهر مشهد مقدس که تا این تاریخ که پنجم شهر رجب 1403 هجریه قمریه است، سه سال و چهل روز بطول انجامیده است (چون ورود در این ارض مقدس در بیست و ششم جمادی الاولی 1400 بوده است) معمولاً در تابستانها با تمام فرزندان و اهل بیت، قریب یکماه به مشهد مقدس مشرف می شدیم. در تابستان سنه 1393 که مشرف بودیم و آیه الله میلانی و حضرت علامه آیه الله طباطبائی هر دو حیات داشتند، و ما منزلی را در منتهی الیه بازارچه حاج آقاجان در کوچه حمام برق اجاره کرده بودیم و معمولاً از صحن بزرگ، همیشه به حرم مطهر مشرف می شدیم، یکروز که در ساعت دو به ظهر مانده مشرف به حرم شدم و حال بسیار خوبی داشتم و سپس برای نماز ظهر به مسجد گوهرشاد آمده و با چند نفر از رفقا بطور فرادی نماز ظهر را خواندم، همینکه خواستم از در مسجد به طرف بازار که متصل به صحن بزرگ بود و یگانه راه ما بود خارج شوم، در مسجد را که متصل به کفشداری بود بوسیدم؛ و چون نماز ظهر جماعتها در مسجد گوهرشاد به پایان رسیده و مردم مشغول خارج شدن بودند، چنان ازدحام و جمعیتی از مسجد بیرون می آمد که راه را تنگ کرده بود.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

در آنوقت که در را بوسیدم ناگاه صدائی بگوش من خورد که شخصی به من می گوید: آقا! چوب که بوسیدن ندارد! من نفهمیدم در اثر این صدا به من چه حالی دست داد، عیناً مانند جرّقه‌ای که بر دل بزند و انسان را بیهوش کند، از خود بیخود شدم، و گفتم: چرا بوسیدن ندارد؟ چرا بوسیدن ندارد؟ چوب حرم بوسیدن دارد، چوب کفشداری حرم

بوسیدن دارد، کفش زوّار حرم بوسیدن دارد، خاک پای زوّار حرم بوسیدن دارد؛ و این گفتار را با فریاد بلند می گفتم و ناگاه خودم را در میان جمعیت به زمین انداختم، و گرد و غبار کفش‌ها و خاک روی زمین را بر صورت می مالیدم؛ و می گفتم: ببین! اینطور بوسیدن دارد! و پیوسته این کار را می کردم، و سپس برخاستم و به سوی منزل روان شدم. آن مرد گوینده گفت: آقا! من حرفی که نزده‌ام! من جسارتی که نکرده‌ام

گفتم: چه می خواستی بگوئی؟! و چه دیگر می خواستی بکنی؟! این چوب نیست؛ این چوب کفشداری حرم است، اینجا بارگاه حضرت علیّ بن موسی الرضاست؛ اینجا مطاف فرشتگان است، اینجا محلّ سجده حوریان و مقربان و پیامبران است، اینجا عرش رحمن است؛ اینجا چه، و اینجا چه، و اینجا چه است

گفت: آقا! من مسلمانم! من شیعه‌ام؛ من اهل خمس و زکاتم؛ امروز صبح وجوه شرعیّه خود را به حضرت آیه الله میلانی داده‌ام

گفتم: خمس سرّت را بخورد! امام محتاج به این فضولات اموال شما نیست! آنچه دادید برای خودتان مبارک باشد. امام از شما ادب می خواهد! چرا مؤدّب نیستید؟! سوگند به خدا دست بر نمی دارم تا با دست خودم در روز قیامت تو را به رو در آتش افکنم

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

در این حال یکی از دامادان ما (شوهر خواهر) به نام آقا سیّد محمود نور بخش جلو آمدند و گفتند: من این مرد را می‌شناسم؛ از مؤمنان است، و از ارادتمندان مرحوم والد شما بوده است!

گفتم: هر که می‌خواهد باشد؛ شیطان بواسطه ترک ادب به دوزخ افتاد!

در این حال من مشغول حرکت به سوی منزل بوده؛ و در بازار روانه بودم، و این مرد هم دنبال ما افتاده بود و می‌گفت: آقا مرا ببخشید! شما را به خدا مرا ببخشید! تا رسیدیم به داخل صحن بزرگ. من گفتم: من که هستم که تو را ببخشم؟! من هیچ نیستم؛ شما! جسارت به من نکردید؛ شما جسارت به امام رضا نمودید؛ و این قابل بخشش نیست بزرگان از علماء ما: علّامه‌ها، شیخ طوسی‌ها، خواجه نصیرها، شیخ مفیدها، ملّا صدراها، همگی آستان بوس این درگاهند؛ و شرفشان در اینست که سر بر این آستان نهاده‌اند؛ و شما می‌گوئید: چوب که بوسیدن ندارد!

گفتم: غلط کردم؛ توبه کردم؛ دیگر چنین غلطی نمی‌کنم!

گفتم: من هم از تو در دل خودم بقدر ذرّه‌ای کدورت ندارم! اگر توبه واقعی کرده‌ای، درهای آسمان به روی تو باز است! و در این حال مردم در صحن بزرگ از هر سو به جانب ما روان شده بودند، و من به منزل آمدم.

این حقیر، عصر آن روز که به محضر استاد گرامی مرحوم فقید آیه الله طباطبائی رضوان الله علیه مشرف شدم؛ به مناسبت بعضی از بارقه‌ها که بر دل می‌خورد، و انسان را بی‌خانمان می‌کند، و از جمله این شعر حافظ

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

برقی از منزل لیلی بدرخشید سَحَر وَه که با خرمن مجنونِ دل افکار چه کرد مذاکراتی بود؛ و ایشان بیاناتی بس نفیس ایراد کردند؛ حقیر بالمناسبه، بخاطرم جریان واقعه امروز آمد و برای آن حضرت بیان کردم، و عرض کردم: آیا این هم از همان بارقه‌ها است؟

ایشان سکوت طویلی کردند؛ و سر به زیر انداخته و متفکر بودند، و چیزی نگفتند. رسم مرحوم آیه الله میلانی این بود که روزها یک ساعت به غروب به بیرونی آمده و می‌نشستند و حضرت علامه آیه الله طباطبائی هم در آن ساعت به منزل ایشان رفته و پس از ملاقات و دیدار، نزدیک غروب به حرم مطهر مشرف می‌شدند، و یا به نماز جماعت ایشان حاضر می‌شدند، و چون یک طلبه معمولی در آخر صفوف می‌نشستند تقریباً دو سه روز از موضوع نقل ما، داستان خود را برای حضرت استاد گذشته بود، که روزی در مشهد به یکی از دوستان سابق خود به نام آقای شیخ حسن منفرد شاه عبد العظیمی برخورد کردم و ایشان گفتند: دیروز در منزل آیه الله میلانی رفتم، و علامه طباطبائی داستانی را از یکی از علمای طهران که در مسجد گوهرشاد هنگام خروج و بوسیدن در کفشداری مسجد اتفاق افتاده بود مفصلاً بیان می‌کردند، و از اول قضیه تا آخر داستان همینطور اشک می‌ریختند. و سپس با بَشاشَت و خرسندی اظهار نمودند که: الْحَمْدُ لِلَّهِ فَعَلًا در میان روحانیون، افرادی هستند که اینطور علاقه‌مند به شعائر دینی و عرض ادب به ساحت قُدس ائمه اطهار باشند؛ و اسمی از آن روحانی نیاوردند ولیکن از قرائن، من اینطور استنباط کردم که شما بوده باشید؛ آیا اینطور نیست؟

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

من گفتم: بلی، این قضیه راجع به من است، و آنگاه دانستم که سکوت و تفکر علامه، علامت رضا و امضای کردار من بوده است؛ که شرح جریان را توأمأً با گریه بیان می‌فرموده‌اند؛ رحمه الله علیه رحمه واسعة⁵¹

آیه الله تهرانی، در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی این گونه می‌گوید: «این مرد جهانی از عظمت بود؛ عیناً مانند یک بچه طلبه در کنار صحن مدرسه روی زمین می‌نشست و نزدیک به غروب در مدرسه فیضیه می‌آمد و چون نماز بر پا می‌شد، مانند سایر طلاب نماز را به جماعت مرحوم آیه الله آقای حاج سید محمد تقی خوانساری می‌خواند. آنقدر متواضع و مؤدب و در حفظ آداب سعی بلیغ داشت که من کراراً خدمتشان عرض کردم: آخر این درجه از ادب و ملاحظاتِ شما ما را بی‌ادب می‌کند. از قریب چهل سال پیش تا به حال دیده نشده که ایشان در مجلس به متکا و بالش تکیه زنند، بلکه پیوسته در مقابل واردین مؤدب، قدری جلوتر از دیوار می‌نشستند و زیر دست مهمان وارد. من شاگردشان بودم و بسیار به منزل ایشان می‌رفتم و به مراعات ادب می‌خواستم پائین تر از ایشان بنشینم، ابدأً ممکن نبود⁵²

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: الاداب حلل مجددة؛ رعایت ادب همچون لباس

فاخر و زینتی و نو است.

و در جای دیگر می‌فرماید: الادب یغنی عن الحسب؛ ادب انسان را از افتخارات پدران

و نیاکان بی‌نیاز می‌کند.

⁵¹ مه‌رتابان، ص: 94؛ علامه سید محمد حسین طهرانی

⁵² سید محمد حسین حسینی تهرانی، مه‌رتابان (یاد نامه و مصاحبات تلمیذ و علامه)، ص ۵۰ - ۵۱، - چاپ اول، انتشارات باقرالعلوم.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم : خمس من لم تکن فیه لم

یکن فیه کثیر مستمتع ! قیل و ما هن یا ابن رسول الله ؟ قال : الدین و العقل و الحیا و

: حسن الخلق و حسن الادب

. پنج چیز است که در هر کس نباشد صفات و امتیازات قابل ملاحظه ای نخواهد داشت

عرض کردند: ای فرزند رسول الله آنها چیست ؟ فرمود: دین و عقل و حیا و حسن خلق

.و حسن ادب

و نیز در حدیث دیگری از همان امام (علیه السلام) می خوانیم که فرمود: لایطمعن ذو

الکبر فی الثناء

: الحسن ، و لا الخب فی کثرة الصدیق ، و لا السی ء الادب فی الشرف

افراد متکبر هرگز نباید انتظار ذکر خیر از سوی مردم داشته باشند و نه افراد نیرنگ باز

.انتظار کثرت دوستان ، و نه افراد بی ادب انتظار شرف و آبرو

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

به همین دلیل هنگامی که در زندگی پیشوایان بزرگ اسلام دقت می کنیم می بینیم که

دقیقترین نکات مربوط به ادب را حتی با افراد کوچک رعایت می کردند

اصولا دین مجموعه ای است از آداب : ادب در برابر خدا، ادب در مقابل پیامبر (صلی

الله علیه و آله) و پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، ادب در مقابل استاد و معلم ، و پدر

و مادر، و عالم و دانشمند

ادب ژاپنی ها

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

هیچ کس را به ادب ژاپنی‌ها نخواهید یافت. این‌ها را از بچگی طوری بار می‌آورند که اگر بر سر سگ بزنی به شما می‌گوید ”آریگاتو گوزایماسو” (یعنی : خیلی ممنون). آشپز غذا را می‌آورد سر سفره همه به هم تعظیم می‌کنند، مدیر شرکت تویوتا به خاطر عذرخواهی جلوی یک مشتری تا کمر خم می‌شود. بچه‌هایشان که در مترو یا اتوبوس نشسته‌اند به محض دیدن یک آدم مُسن جای خود را به او می‌دهند. کشور ما هم از قدیم به جایی معروف بود که مردم احترام زیادی به هم می‌گذاشتند اما تازگی‌ها کار به جایی رسیده که می‌گویند ”احترام شوهر کرد”.^{۵۳}

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

داستان ها

دو کودک با ادب

روزی امام حسن(ع) و امام حسین(ع) که هر دو کودک بودند، برای نماز خواندن به

مسجد رفتند. پیرمردی در حال وضوگرفتن بود. امام حسین(ع) در حرکات پیرمرد

دقت کردند و دیدند، درست وضو نمی گیرد. امام حسین(ع) بدون این که پیرمرد

متوجه شود، ماجرا را برای برادرش امام حسن(ع) تعریف نمود و در گوش برادر گفت:

«چگونه به این پیرمرد بگوییم وضویش اشتباه است؟» امام حسن(ع) کمی فکر کرد و

پاسخ داد: «باید طوری به او بگوییم که ناراحت نشود». آن دو نزد پیرمرد رفتند و گفتند:

«پدرجان سلام! ما با هم برادریم، هر کدام فکر می کنیم دیگری وضوی نادرست می

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

گیرد. اگر زحمتی نیست میان ما داوری کنید تا بفهمیم وضوی کدامان درست است.»

پیرمرد پذیرفت

اول امام حسین(ع) که کوچک تر بود وضو گرفت، پیرمرد متوجه شد وضوی او درست

است و به اشتباه خودش در وضوگرفتن آگاه شد، اما تصمیم گرفت تا ببیند برادر

بزرگ تر چه می کند. امام حسن(ع) هم وضو گرفت، وضوی او هم بدون اشتباه بود.

پیرمرد فهمید آن دو کودک درست وضو می گیرند. پس به آن ها گفت: «وضوی هر

«دوی شما صحیح است. من وضوی اشتباه می گرفتم

دو برادر، از پیرمرد، تشکر و خداحافظی کردند و رفتند و پیرمرد، به خود گفت: «به به

عجب کودکان با ادبی... آن ها احترام مرا نگه داشتند و کاری کردند که من خودم به

«اشتباهم پی ببرم، بدون این که آن ها به من چیزی بگویند»^{۵۴}

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

داستانی کوتاه درباره ادب و احترام از حضرت علی (ع)

در آن ایام ، شهر کوفه مرکز ثقل حکومت اسلامی بود . در تمام قلمرو کشور وسیع اسلامی آن روز ، به استثنا قسمت شامات ، چشم ها به آن شهر دوخته بود که ، چه فرمانی صادر می کند و چه تصمیمی می گیرد . در خارج این شهر دو نفر ، یکی مسلمان و دیگری کتابی (یهودی یا مسیحی یا زردشتی) ، روزی در راه به هم برخورد کردند . مقصد یک دیگر را پرسیدند . معلوم شد که مسلمان به کوفه می رود و آن مرد کتابی در همان نزدیکی ، جای دیگری را در نظر دارد که برود . توافق کردند که چون در مقداری از مصافت راهشان یکی است با هم باشند و با یکدیگر مصاحبت کنند . راه مشترک ، با صمیمیت ، در ضمن صحبت ها و مذاکرات مختلف طی شد . به سر دوراهی رسیدند . مرد کتابی با کمال تعجب مشاهده کرد که رفیق مسلمانش از آن طرف که راه کوفه بود نرفت و از این طرف که او می رفت آمد . پرسید : مگر تو نگفتی من می خواهیم به کوفه بروم ؟

چرا _

پس چرا از این طرف می آیی ؟ راه کوفه که آن یکی است _

می دانم ، می خواهم مقداری تو را مشایعت کنم. پیغمبر ما فرمود : « هر گاه دو نفر در _ یک راه با یکدیگر مصاحبت کنند حقی بر یکدیگر پیدا می کنند. » اکنون تو حقی بر من پیدا کردی . من به خاطر این حق که به گردن من داری می خواهم چند قدمی تو را _ مشایعت کنم ، و البته بعد به راه خودم خواهم رفت

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

- او ، پیغمبر شما که این چنین نفوذ و قدرتی در میان مردم پیدا کرد و به این سرعت _
- دینش در جهان رایج شد ، حتما به واسطه ی همین اخلاق کریمه اش بوده
- تعجب و تحسین مرد کتابی در این هنگام به منتها درجه رسید که برایش معلوم شد که
- این رفیق مسلماناش خلیفه ی وقت علی بن ابی طالب (ع) بوده
- طولی نکشید که همین مرد مسلمان شد و در شمار افراد مومن و فداکار اصحاب علی
- (ع) قرار گرفت^{۵۵}

ادب و احترام محمد

- **محمد** پسر خیلی خوب و با ادبی است
- وقتی از خواب بیدار می شود به همه صبح به خیر می گوید
- چون می داند این کار ، کار بچه های با ادب است
- **محمد** همیشه به بزرگترها سلام می کند و وقتی کسی با او حرف می زند ، با دقت به حرف های او گوش می کند
- اگر کسی چیزی به او بدهد ، تشکر می کند، یعنی می گوید : متشکرم . وقتی چیزی به کسی می دهد می گوید: بفرماید
- او برای دادن چیزی به کسی آن را پرت نمی کند چون می داند این کار خیلی بد است
- اگر مجبور شود چیزی را پرت کند می گوید : ببخشید . **محمد** هیچ وقت دوست ندارد کسی را اذیت یا ناراحت کند

⁵⁵ کتاب داستان جلد اول نوشته استاد مرتضی مطهری [اصول کافی، جلد 2، باب «حسن الصابه و حق الصاحب فی السفر» صفحه 670

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

اما اگر به طور اتفاقی کسی را اذیت یا ناراحت کند ، عذر خواهی می کند یعنی می گوید
: ببخشید

. مثلا اگر پای کسی را لگد کند می گوید : ببخشید که پای شما را لگد کردم

. **محمد** هیچ وقت موقع نشستن پاهایش را جلوی بزرگترها دراز نمی کند

اگر **محمد** کار اشتباهی انجام بدهد و بزرگترها او را دعوا کنند توی چشم آن ها زل

. نمی زند و نمی گوید : چرا مرا دعوا می کنید یا دلم می خواهد این کار را انجام بدهم

او سرش را پایین می اندازد و از بزرگترها عذر خواهی می کند و می گوید : ببخشید

. دیگر این کار اشتباه را انجام نمی دهم

چون او می داند اگر بزرگترها او را دعوا می کنند دوستش دارند و نمی خواهند که او

. پسر بد و بی ادبی باشد

اگر او بخواهد وارد اتاقی بشود ، اول در می زند . اگر کسی که توی اتاق است بگوید :

. بفرمایید ، آن وقت در را باز می کند و وارد اتاق می شود

. او هیچ وقت بدون در زدن وارد جایی نمی شود . چون می داند این کار خیلی بد است

. **محمد** هیچ وقت بی اجازه به وسایل دیگران دست نمی زند

مثلا اگر بخواهد سوار سه چرخه ی دوستش شود ، می گوید اجازه می دهید سوار سه

. چرخه ی شما بشوم ؟ اگر دوستش به او اجازه دهد ، سوار می شود

اما اگر اجازه ندهد ، با او دعوا نمی کند یا نق نمی زند و گریه نمی کند و نمی گوید : باید

. بگذاری سوار سه چرخه ات بشوم

چون می داند این کار خیلی بد است و همه می گویند وای ! وای ! چه پسر لوس و بی ادبی

! **محمد** موقع عطسه زدن یا سرفه کردن ، جلوی دهان و بینی خود را با دستمال می گیرد

. او موقع خمیازه کشیدن ، با دست جلوی دهان خود را می گیرد. **محمد** در وقت غذا

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

خوردن با دهان پر حرف نمی زند . او اول لقمه اش را قورت می دهد ف بعد حرف می زند.

اگر وقتی که دهانش پر است ، مجبور شود حرف بزند ، با دست جلو دهانش را می گیرد . او در وقت غذا خوردن ، با دهان بسته غذا را می جود تا از دهانش صدای ملچ .ملوچ شنیده نشود

چون می داند ایین صدا دیگران را ناراحت می کند

. **محمد** موقع غذا خوردن ، به غذا خوردن دیگران نگاه نمی کند

. اگر چیزی بخواهد که دستش به او نمی رسد ، روی سفره خم نمی شو

او به بزرگترها می گوید تا آن چیز را به او بدهند . **محمد** در وقت بازی با دوستانش ،

. شوخی های بد و خطر ناک نمی کند . مثلاً آن ها را هل نمی دهد

چون می داند ممکن است با شوخی های خطر ناک ، به دوستانش آسیب برساند. او هیچ

وقت دوستانش را مسخره نمی کند و به آن ها نمی خندد

چون می داند این کار دوستانش را ناراحت می کند و او دوست ندارد که دوستانش را

ناراحت کند . اگر هم کسی چنین کار زشتی را بکند ، **محمد** به او می گوید : مسخره

کردن دیگران ، کار بدی است

اگر به حرف **محمد** توجهی نکند ، **محمد** از او دور می شود و دیگر با او بازی نمی کند .

. چون او دوست ندارد با بچه های بی ادب دوست باشد و با آن ها بازی کند

. **محمد** همیشه و همه جا نوبت را رعایت می کند

.اگر بخواهد سوار تاب یا سرسره شود ،به اخر صف می رود تا نوبتش شود

سالن هیچ وقت جلو صف نمی ایستد تا زود تر نوبت به او برسد . چون می داند اگر بی

نوبت سوار تاب یا سر سره شود ، دوستانش را ناراحت می کند . **محمد** میهمانی را

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

خیلی دوست دارد.

وقتی به مهمانی می رود یا میهمان به خانه ی آن ها می آید ، او خیلی آرام و بی سر و صدا بازی می کند . **محمد** با بچه ها دعوا نمی کند و اسباب بازی هایشان را به زور از آن ها نمی گیرد .

وقتی مهمان به خانه ی آن ها می آید، او سلام میکند و می گوید : سلام خیلی خوش آمدید ، بفرمایید ، بنشینید . او هیچ وقت پشت مامان و بابا قایم نمی شود ، چون می داند این کار ، کار خوبی نیست .

موقع رفتن میهمان ، خدا حافظی می کند و میگوید : باز هم تشریف بیاورید . وقتی مامان و بابا رفتار خوب **محمد** را می بینند ، خیلی خوشحال می شوند . وقتی **محمد** از مامان و بابا می پرسد: مامان! بابا! آیا از من راضی هستید؟ آیا من پسر خوب و با ادبی هستم؟ مامان با خوشحالی می گوید: بله تو پسر بسیار با ادب و با تربیتی هستی .

و بابا می گوید : من از این که چنین پسر با ادب و با تربیتی دارم ، خیلی خوشحالم .
آفرین پسر گلم!^{۵۶}

میمون بی ادب

یکی بود یکی نبود در یک جنگل بزرگ چند تا میمون وسط درختها زندگی می کردند در بین آنها میمون کوچکی بود به نام قهوه ای که خیلی بی ادب بود . همیشه روی شاخه ای می نشست و به یک نفر اشاره می کرد و باخنده می گفت اینو ببین چه دم درازی داره اون یکی رو چه پشمالو و زشته و بعد قاه قاه می خندید .

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

هر چه مادرش او را نصیحت می‌کرد فایده‌ای نداشت.
تا اینکه یک روز در حال مسخره کردن بود که شاخه شکست و قهوه ای روی زمین افتاد.

مادرش او را پیش دکتر یعنی میمون پیر برد.
دکتر اورامعاینه کرد و گفت دستت آسیب دیده و تو باید شیرنارگیل بخوری تا خوب شوی.

چند دقیقه بعد قهوه‌ای بقیه میمون‌ها را دید که برایش شیر نارگیل آورده بودند.
او خیلی خجالت کشید و شرم‌منده شد و فهمید که ظاهر و قیافه اصلاً مهم نیست بلکه این قلب مهربونه که اهمیت داره،

برای همین از آن‌ها معذرت خواهی کرد و هیچوقت دیگران را مسخره نکرد.^{۵۷}

داستان کوتاه - پسر خوب

سه زن می‌خواستند از سر چاه آب بیاورند. در فاصله‌ای نه چندان دور از آنها پیر مرد دنیا دیده‌ای نشسته بود و می‌شنید که هر یک از زن‌ها چه طور از پسرانشان تعریف می‌کنند.

زن اول گفت: پسر من چنان در حرکات اکروباتیک ماهر است که هیچ کس به پای او نمی‌رسد.

دومی گفت: پسر من مثل بلبل آواز می‌خواند. هیچ کس پیدا نمی‌شود که صدایی به این قشنگی داشته باشد.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

:هنگامی که زن سوم سکوت کرد، آن دو از او پرسیدند

پس تو چرا از پسرت چیزی نمی‌گویی؟

زن جواب داد: در پسر من چیزی خاصی برای تعریف کردن نیست. او فقط یک پسر معمولی است. ذاتاً هیچ صفت بارزی ندارد. سه زن سطل‌هایشان را پر کردند و به خانه رفتند. پیرمرد هم آهسته به دنبالشان راه افتاد. سطل‌ها سنگین و دست‌های کار کرده زن‌ها ضعیف بود. به همین خاطر وسط راه ایستادند تا کمی استراحت کنند؛ چون کمرهایشان به سختی درد گرفته بود. در همین موقع پسرهای هر سه زن از راه رسیدند. پسر اول روی دست‌هایش ایستاد و شروع کرد با پا دوچرخه زدن. زن‌ها فریاد کشیدند: عجب پسر ماهر و زرنگی است! پسر دوم هم مانند یک بلبل شروع به خواندن کرد و زن‌ها با شوق و ذوق در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده بود، به صدای او گوش دادند. پسر سوم به سوی مادرش دوید. سطل را بلند کرد و آن را به خانه برد. در همین موقع زن‌ها از پیرمرد پرسیدند: نظرت در مورد این پسرها چیست؟ پیرمرد با تعجب پرسید: منظورتان کدام پسرهاست؟ من که اینجا فقط یک پسر می‌بینم!^{۵۸}

داستان ادب علامه امینی در برابر نام حضرت فاطمه زهرا (س)

حجت الاسلام والمسلمین ادیب نیشابوری در رابطه با رعایت ادب نسبت به اهل بیت علیهم السلام توسط علامه امینی فرمودند: روزی بنده همراه با چند تن از پیرغلامان اهل بیت (ع) به عیادت علامه امینی رفتیم که فردی گفت جناب علامه از شما سوالی درباره حضرت زهرا دارم که در این حال علامه با ناراحتی فرمودند ساکت باش، همه از این

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

بر خورد علامه تعجب کردند تا اینکه ایشان به کمک نزدیکان شان از بستر برخاسته و نشستند و آنگاه فرمودند چرا در حالی که پایم دراز بود نام حضرت زهرا (س) را آوردی؟^{۵۹}

ادب نسبت به مادر

آیت الله العظمی مرعشی نجفی کسی است که ۶۰ سال نماز شبش را در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها خواند. رئیس دفتر این عالم بزرگوار می گوید؛ یک بار به آقا گفتم: اجازه می دهید که دفتر را زود تعطیل کنم و بروم؟ چون پدرم آمده است، می خواهم به دیدارش بروم. آقا بغض کرد و فرمود: خوش به حالت که پدر داری! قبل از این که بروی، قصه من و پدرم را بشنو. حدوداً ده ساله بودم و در نجف بودیم که مادرم گفت: وقت نهار است، به طبقه ی بالا برو و پدرت را صدا کن. دیدم پدرم روی کتابه ا خوابش برده است، بین دو معادله مانده بودم، اگر امر مادر را اطاعت کنم و پدرم را از خواب شیرین بیدار کنم، پدرم ناراحت می شود، با خود گفتم کاری کنم که اگر پدرم بیدار شد، ناراحت نشود. خم شدم و کف پای پدرم را بوسیدم، در همین حال پدرم بیدار شد و این صحنه را که دید، گریه اش گرفت و همان لحظه برایم دعا کرد، که هرچه امروز دارم به خاطر همان چند دعای پدرم است.

کافی است که در مقابل پدر و مادرمان کمر خم کنیم، تا خدا آسمانی مان کند. کتاب های مرحوم علامه شیخ مرتضی انصاری قریب نود سال است که در حوزه تدریس می شود، چون مادرش را بر روی شانه می گذاشت و به حمام می برد تا زن ها او را بشویند

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

و مجدد بر روی شانه می گذاشت و به منزل می آورد. مردم از او می پرسیدند: در منزل قاطر یا الاغی نداری که او را روی آن بگذاری؟ فرمود: دارم. نمی دانید وقتی مادرم را بر دوش گرفتم، زیر این بار سنگین چه گره هایی برایم باز شد. وقتی مادر ایشان از دنیا رفت، به پهنای صورت گریه می کرد، یتیمی سن بردار نیست. وقتی به او اشکال کردند، فرمود: گریه ام برای این است که از امروز به بعد، به چه شخصی خدمت کنم که خدا این همه گره هایم را باز کند؟ در عالم از مادر، سنگین وزن تر برای رسیدن به خدا داریم؟

حضرت موسی علیه السلام به درگاه خداوند رفت، ایشان مثل دفعات قبلی مورد عنایت خداوند نبود. از خدا پرسید: خدایا چه خطایی انجام داده ام؟ خدا به او فرمود: دفعه ی قبل مادرت زنده بود و دعایش پشت سرت بود. دعای مادر حضرت موسی در او تاثیر گذار بوده است.^{۶۰}

قصه کودکانه: بچه ها سلام یادتون نره

یکی بود یکی نبود، پسری بود به اسم مملی. مملی پسر خوبی بود اما یک عادت بد داشت و اونم این بود که سلام نمی کرد. یک روز ظهر از مدرسه به خانه برگشت و تکالیفش را انجام داد. وقتی عصر شد و هوا خنک شد، مملی از خونه بیرون آمد و به خونه دوستش هادی رفت و در زد. مادر هادی در را باز کرد. مملی گفت: هادی خوابه یا بیداره؟ بگید توپشو بیاره.

مادر هادی ناراحت شد و گفت: کسی که سلام بلد نیست، رفیق پسر من نیست. و به

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

خانه رفت و در را بست. مملی خیلی ناراحت شد و به خانه برگشت و جریان را برای مادرش تعریف کرد. مادر مملی گفت: مملی سلام یادت نره، تا همه بگن گل پسره. غروب مادر مملی به او پول داد و گفت: دوتا نون بخر، نون داغ و کنجدی بخر. مملی سلام یادت نره. مملی وقتی به مغازه نونوایی رسید به یاد حرف مادرش افتاد و گفت: شاطر آقا سلام سلام، من نون میخوام، دو تا نون داغ کنجدی میخوام. شاطر آقا جواب داد: برای بچه های با ادب، نون داغ و کنجدی می اره مشتش رجب. و دو تا نون تازه به مملی داد. مملی یاد گرفت که از این به بعد به همه سلام کنه و احترام بگذاره⁶¹

دستور ملکه را انجام نمی دهیم مگر بگویید لطفا!

ملکه زنبور ها غرغر کنان گفت : « من این خمیر دندان را دوست ندارم ! برایم یک چیز خوب بیاورید. خمیر دندانی که مزه توت فرنگی داشته باشد. » اما بانوی خدمت کار حمام گفت : « واه واه واه. ملکه خانم شما نمی توانید این طور با من حرف بزنید. تا نگویند لطفاً خمیر دندان برای تان نمی آورم. » ملکه زنبور ها گفت : « برو دنبال کارت » و با عصبانیت دور شد. ملکه زنبور ها گفت : « من نان برشته با کره و چای می خواهم. مربا و کلوچه هم فراموش نشود. نزدیک بود یادم برود ، یک کیک شکلاتی بزرگ هم می خواهم که رویش گیلان چیده باشند ! » آشپز غرغر کنان گفت : « فکر نمی کنید زیاد است ؟ » « نه ، اصلاً زیاد نیست ! » ملکه خانم تا نگویند لطفاً ، برای تان صبحانه آماده نمی کنم . » ملکه زنبور ها گفت : « تو دیگه چی می گی ؟ » از شدت عصبانیت

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

صورتش سرخ شده بود. آن قدر ناراحت بود که دوباره می خواست به تخت خواب باز گردد اما به جای این کار به طرف اتاق ناهار خوری دوید و فریاد زد : « یک فنجان چای برایم بریز. » خدمت کار مخصوص با حیرت پرسید : « آیا با من هستید ؟ » سپس ابرو های پر پشت و سیاهش را بالا برد و با اندوه سر تکان داد و گفت : « متاسفم ملکه خانم ... اما تا نگوئید لطفاً ، برای تان چای نخواهم ریخت. » ملکه زنبور ها غرید : « این قدر به من گیر ندهید. » ملکه به قدری ناراحت و عصبانی بود که به طرف دروازه قصر دوید. گل های داوودی را لگد کوب و با پاهایش آن ها را پرپر کرد. خیلی دلخور شده بود اما او ملکه زنبور ها بود. باید کاری می کرد که همه آن ها را از بد جنسی خود پشیمان شوند. ملکه زنبور ها فریاد زد : « همه آن ها را بازداشت کنید ! » منشی ملکه واقعاً دست پاچه شده بود. منشی ملکه گفت : « نمی توانم این کار را بکنم ، ملکه خانم. گذشته از این ، ما همه با هم تصمیم گرفته ایم دیگر به شما کمک نکنیم مگر این که بگوئید لطفاً ! » ملکه زنبور ها فریاد زنان گفت : « همه شما بد جنس هستید. » ملکه مثل توفان می غرید سپس آهسته و با احتیاط از پله های تاریکی که با شیب تند به طرف زندان می رفت ، پایین رفت ... وارد سیاه چال تاریکی شد. در را قفل کرد و کلید آن را بیرون انداخت. ملکه زنبور ها از شدت خشم ، آرام و قرار نداشت. غمگین بود؛ غم و اندوهش به اندازه ای زیاد بود و به قدری آزارش می داد که هم راه اشک فرو می ریخت. ملکه گریه کنان از خود پرسید : « چرا همه این قدر بد شده اند ؟ هیچ کس مرا دوست ندارد. همه دوستانم را از دست داده و تنها شده ام. از همه بدتر این که خودم در این جا زندانی کرده ام. » صدایی گفت : « نه تو این کار را نکرده ای. » ملکه سرش را بلند کرد : « دلم می خواهد یک نفر با مهربانی مرا بغل کند. لطفاً ! » « هورا ملکه خانم ! می بینی که

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

لطفاً چیزی است شبیه بغل کردن و در آغوش فشردن یا لبخندی که روی لب هایت می
نشیند».^{۶۲}

احترام

ماشین سواری کوچکی به سرعت از کنار یک کامیون گذشت و از آن جلو زد.
راننده کامیون با عصبانیت فریاد زد: "ای بی ادب! احترام بزرگ تر از خودت
را هم نگه نمی داری؟"

شیوه سخن گفتن معرف آدم هاست

حکیمی جهان دیده و سرد و گرم روزگار چشیده اما نابینا زیر درخت انجیر هندی نشسته
بود و غرق افکار خود بود. ناگهان مردی آمد و با صدای بلند پرسید: ای مرد ناتوان! آیا
صدای پای کسی را که از این جا گذشته باشد، شنیده ای؟
!حکیم جواب داد: خیر

:چند لحظه بعد، مرد دیگری آمد و پرسید

ای مرد، آیا نشنیدی کسی از اینجا بگذرد؟

.حکیم جواب داد: بلی آقا مردی همین حالا با چنین سوال مشابهی از اینجا رفت
بعد از مدتی مرد دیگری آمد و پرسید: آقای عزیز! آیا شما صدای پای مردی را که از
اینجا گذر کرده باشد، شنیده اید؟

حکیم جهان دیده جواب داد: نخست «نوکر شما و بعد پیشکار شما از اینجا گذشتند!» و
هر دو نفر، سوال مشابهی داشتند

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

آن مرد متعجب شد و پرسید

ای نیک مرد، از کجا فهمیدی آنها، نوکر و پیشکار من بودند؟

حکیم جواب داد: از طریق حرف زدن آنان؛ مرد اول بی ادبانه حرف زد، دومی با کمی ادب و شما با ادب سوال کردید. و افزود: یادتان باشد که آدم ها از نحوه سخن گفتن شان مورد داوری قرار می گیرند. همیشه شیوه سخن گفتن، معرف آدم هاست!^{۶۳}

داستان مالیات بی ادبی!

در زمان قاجاریه یکی از پسران فتحعلیشاه که والی کرمان و بلوچستان بود هنگام بازدید از ولایات و بلوکهای تحت حکمرانش وارد روستایی شد و ریش سفیدان و کدخدا رعایا به استقبالش آمدند. هنگام استقبال، از یکی از ریش سفیدان که بنده خدا حدود 90 سال سن داشت و متأسفانه در مهار کردن بدنش ناتوان بود، فعل قبیحی صادر شد! شاهزاده قاجار در واکنش، کار بدون اراده پیرمرد را توهین به خود تلقی کرد و دستور داد، او را دراز کنند و پانصد ضربه ترکه چوب بر پشتش بزنند. طبیعی است پیرمرد زیر آن ترکه ها که فراش ها با نهایت شدت می نواختند، می مرد.

ریش سفیدان و کدخدا به وساطت برخاستند و حدود یکصد تومان از پول خرمن را که به دستشان رسیده بود، تقدیم حضرت اقدس والا کردند که از گناه پیرمرد 90 ساله در گذرد و مبلغی هم به پیشکار فراشبازی و حاجب تقدیم شد که از خون آن پیرمرد در گذرند و مورد عفو قرار گیرد و زیر ترکه چوب نمیرد.

منشی باشی حضرت اقدس والا مبالغ جمع آوری و تحویل و تقدیم شده را در دفترچه یا توماری نوشت که حضرت اقدس والا در بازگشت به نصرت آباد (زابل) که آن زمان مرکز بلوچستان بود، مقدار دریافتی ها و تقدیمی را بداند. این وصولی در اوراق دولتی به نام فرد نوشته شد و از سال 1836 میلادی تا سال 1928 میلادی یعنی 1309 ه.ش وصول و ثبت می شد و نام آن را «مالیات بی ادبی» گذاشتند! تا آن که «علی اکبر داور» وقتی وزیر مالیه شد، از عنوان این مالیات تعجب کرد و پس از رسیدگی فراوان و پرس و جو از اولاد و نییرگان و ندیدگان آن پیرمرد نگون بخت، ماجرا روشن شد.^{۶۴}

داستان کلاغک پرسياه / همدیگر را با القاب زشت صدا نزنید

بوی خوش دوستی

⁶³ <https://www.portal-rangi.com>

⁶⁴ <http://www.entekhab.ir/fa/news/32242>

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

کلاغک هنوز از خانه بیرون نیامده بود. مامان کلاغک گیج شده بود. هر چی سعی می کرد تا او را راهی مدرسه کند، کلاغک یک بهانه ای می آورد. اول گفت: «بال چیم درد می کند» بعد گفت: «نه! فکر کنم سرما خوردم. سرم گیج می ره. ممکنه بیافتم کف جنگل. مامان کلاغک از گوشه‌ی چشمش با تعجب به او نگاهی کرد. کلاغک گفت: «اصلاً مدرسه به چه دردی می خوره؟» هان؟ این جا بود که دیگر صدای مامان کلاغک در آمد و گفت: این حرفا چیه؟ تو که مدرسه را خیلی دوست داشتی! چشم های کلاغک از اشک پر شد و دیگر طاقت نیاورد

پرید توی بغل مامانش و با گریه گفت: آخه مامانی هم کلاسی هام همدیگر را با اسم های زشتی صدا می کنند. به منم میگن سیاسوخته. من اصلاً دوست ندارم. تازه قار قار منو هم مسخره می کنن. خیلی بد هستن مامانی. من دوست ندارم برم مدرسه و به گریه اش ادامه داد

مامان کلاغک فکری کرد و اشک های او را پاک کرد و گفت: گریه نکن قشنگم! پاشو زود برو مدرسه که داره دیرت می شه. بعدش همه‌ی دوستانت رو هم دعوت کن تا بیان لونه‌ی ما. می‌خوام براتون یک کیک خوشمزه درست کنم و با دستانت بیشتر آشنا بشم. کلاغک اشک هایش را پاک کرد و گفت: ولی آخه!... مادر کلاغک زود حرفش را قطع کرد و گفت: ولی آخه نداره! زود باش راه بیفت! الان کلاس شروع میشه، زود باش!

بالاخره کلاغک با غصه‌ی زیاد پر زد و پز زد تا به درخت بلوط مدرسه رسد. روی شاخه‌ی سومی نشست. دوستانش یکی یکی شروع به پیچ و خندیدن کردند. کلاغک

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

سعی کرد توجهی به حرف های آن ها نکند تا اینکه آقای شانه به سر گفت: ساکت
پرنده ها و درس را شروع کرد

خورشید به وسط آسمان رسیده بود. با صدای نوک زدن آقای دارکوب کلاس آن روز
تمام شد. قبل از اینکه پرنده ها شلوغ بازی راه بیاندازند. کلاغک بلند شد و گفت: بچه
ها! مامانم برای خوردن کیک همه ی شما رو دعوت کرده. بیاین با هم بریم به لونه ی ما.
همه ی جوجه ها هم جیغ کشیدند و پرپر زنان به سمت لانه ی کلاغک رفتند. کلاغک هم
پشت سر آن ها پرواز می کرد

بوی کیک از ده تا درخت مانده به لانه شنیده می شد. پرنده ها یکی یکی به لانه ی
کلاغک رسیدند. سلام کردند و یک گوشه نشستند. کلاغک هم نفس نفس زنان آخرین
نفر بود که رسید

بوی کیک همه را گیج کرده بود ولی خبری از خود کیک نبود. همه فکر می کردند
کیک به این خوش بویی چه شکلی می تواند باشد. تا اینکه مامان کلاغک جلو آمد و
گفت: سلام پرنده های رنگارنگ و زیبا! و به کلاغک گفت: خوش به حالت که این همه
دوستان رنگی رنگی داری. بعد رو به پرنده ها کرد و گفت: من از صبح اسم قشنگ
دونه دونه ی شما را صدا کردم و این کیک را درست کردم. به خاطر همینه که عطر
خوش اون توی تمام درختا پیچیده. قناری... بلبل... گنجشک... طوطی... قرقاول... سینه
سرخ... پلیکان.. کبوتر... کلاغک

و بعد کیک را آورد جلوی پرنده ها گذاشت. یک کیک ساده و بدون تزیین. پرنده ها
همین طور که کیک را می خوردند و به فکر فرو رفتند. از روز بعد همه ی پرنده ها هم

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

دیگر را با اسم های زیبای خودشان صدا می کردند و کلاغک از این موضوع خیلی خوش حال بود!^{۶۵}

چقدر با آداب اجتماعی آشنایی دارید؟

محققان معتقدند مهارت های انسانی بیش از مهارت های فنی و دانش در پیشرفت کاری افراد تأثیر دارد. ظاهر هر شخص در محیط های کاری اهمیت زیادی دارد. بنابراین اگر کارمند هستید رعایت استانداردهای زیر به شما کمک می کند ظاهرتان با وضعیت کارتان هماهنگ باشد.

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

برای نشان دادن شخصیتی با وقار و احترام برانگیز از خود و جلب توجه و احترام دیگران، باید حرکات و رفتارهای مناسبی داشته باشیم؛ رفتارهایی که اگرچه بیشتر آنها را در آمد و رفت های اجتماعی یاد گرفته ایم، ولی هنوز نکات ریز و ظریف زیادی وجود دارد که از آنها بی خبریم، نکاتی که از آنها به عنوان آداب معاشرت یاد می کنیم.

رعایت برخی آداب اجتماعی به شما کمک خواهد کرد تا شأن و منزلت اجتماعی تان ارتقاء یابد و از یک فرد عامی به یک انسان متشخص و باکمال تبدیل شوید. با رعایت این نکات ساده، دیگران شما را در زمره افراد با اصل و نسب و فرهیخته قرار خواهند داد؛ شخصی که دیگران آرزوی معاشرت و شراکت با وی را دارند.

این بایدها و نبایدهای معاشرتی در همه جوامع به صورت الگوهایی ثابت و مشترک وجود دارد که البته چگونگی آنها در هر فرهنگی تابع نظام ارزش ها و باورهای آن جامعه است.

از این رو، اگرچه همه جوامع برخی رفتارها را مودبانه و برخی دیگر را خارج از نزاکت می شمارند، اما این که چه چیزی مودبانه است یا نیست، فقط به وسیله فرهنگ هر جامعه تعریف می شود، به طوری که رفتار و رسوم پسندیده در یک دسته ممکن است در دسته دیگر اصلاً پسندیده نباشد.

مثلاً میان اسکیموها رسم بر این است که مهمان پس از غذا خوردن، لب های خود را طوری پاک کند که صدایی از آنها برخیزد و به این ترتیب نشان دهد غذا برایش گوارا

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

بوده است، ولی ما این کار را ناپسند می دانیم. در آفریقا، وحشیان در ملاقات با یکدیگر برای شادباش می گویند «چگونه عرق می کنید؟» در حالی که چنین سوالی برای ما زشت و زننده است. دست دادن با دوستان هنگام ملاقات در بسیاری از کشورهای جهان معمول است، ولی چینیان به جای این کار دو دست خود را برهم می گذارند و تکان می دهند.

در کشور ما وقتی در هر صفی می ایستیم، رعایت فاصله بین ۲ نفر اگرچه پسندیده است اما مرسوم نیست و تقریباً بین ۲ نفر در صف هیچ فاصله ای وجود ندارد، حال آن که در کشورهای اروپایی عدم رعایت این فاصله، نوعی تعرض به حریم و حقوق فردی افراد محسوب می شود و واکنش های تندى به همراه خواهد داشت.

در بسیاری از کشورها برداشتن کلاه نشانه ادب است، ولی بومیان غنا در آفریقا به جای این کار، قبای خود را از یک شانه پایین می اندازند، ولی براساس دستور اسلام، وقتی ۲ مسلمان به یکدیگر می رسند، با سلام کردن به هم احترام می گذارند.

بنابراین شیوه آداب معاشرت در سراسر جهان در عین این که متفاوت است، ولی این آداب در همه جا به منظورهای معینی از قبیل سلام کردن، دست دادن و احترام گذاشتن به یکدیگر، معرفی ناشناسان به یکدیگر، آداب و رسوم پسندیده هنگام غذا خوردن، نحوه رفتار و پوشش در مهمانی ها، محل کار و... به کار می رود.

● چگونه سلام کنیم و دست بدهیم؟

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

سلام کردن و دست دادن، اولین و مهم ترین بند از مجموعه آداب معاشرت است که تقریباً میان همه ادیان، فرهنگ ها و ملت ها وجود دارد و آداب و قوانین خاصی هم برای خودش دارد. مثلاً فرانسوی ها درست مثل ما هنگام ورود و خروج با یکدیگر دست می دهند. آلمانی ها تنها یک بار با هم دست می دهند.

برخی آفریقایی ها پس از هربار دست دادن، بشکن می زنند که حاکی از رهایی و آزادی است. مردم برخی کشورها هم دست دادن را خوب نمی دانند. آمریکایی ها هم خیلی محکم دست می دهند که احتمالاً از رقابت های سنگین جسمی مانند کشتی سرخپوستان نشأت گرفته است و اما پیچیده ترین شکل دست دادن را سیاهان آمریکایی دارند که شامل چند عمل پیچیده است. افغان ها نه تنها در حین سلام و احوالپرسی دست می دهند. بلکه هنگام دست دادن، روبوسی و بغل کشی هم می کنند. دست دادن با دست راست و گذاشتن دست دیگر به شانه مقابل نشان دهنده تلاشی است که این شخص می خواهد به نحوی از بوسه دادن جلوگیری کند. این وضعیت را در بازدیدهای رسمی کشورها و مقامات و دیپلمات های مختلف جهان می توان ملاحظه کرد. در کشور ما هم قوانین و آداب خاصی در این زمینه وجود دارد که البته بیشتر نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی است.

همیشه در حین سلام کردن به جانب مقابل، پیشقدم باشید. این عمل شما در خاطره طرف مقابل همیشه باقی می ماند. پیشقدم شدن در سلام همچنین نشان دهنده تواضع، فروتنی و بزرگواری انسان است.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

به هر مجلس یا به هر محل تجمع که وارد می شوید، در صورتی که نظم جلسه و مجلس با اخلال مواجه نشود، با صدای بلند و متناسب سلام کنید، حتی اگر دارای مقام و رتبه بالا و مسن تر باشید. مردها در سلام نسبت به زنان باید پیشقدم باشند. استادان و معلمان وقتی وارد کلاس می شوند باید به شاگردان سلام کنند و شاگردان هم به رسم احترام در برابر استاد خویش بایستند. به هیچ وجه مقابل سلام کسی سر تکان ندهید، بلکه کوشش کنید با زبان، جواب سلام جانب مقابل را بدهید.

سلام و احوالپرسی نیازی به وقت طولانی ندارد. کوشش کنید وقت خود و دیگران را در سلام و احوالپرسی نگیرید.

هنگام دست دادن، دست طرف مقابل را محکم نگیرید. این کار اگرچه نشان دهنده ابراز صمیمیت با طرف مقابل است اما ناراحت کننده و خارج از عرف نیز است. این مساله بویژه در ملاقات اول باید در نظر گرفته شود. البته شل دست دادن هم درست نیست.

دست دادن شل نشان دهنده ضعف، نداشتن اعتماد به نفس، علاقه و ثبات است. با نوک انگشتان خود دست ندهید. اگر بر حسب عجله یا تصادف چنین کاری کردید، حتما از جانب مقابل معذرت بخواهید و دوباره با دست کامل به ایشان ادای سلام و احترام کنید.

در رویارویی با بزرگ تر از خودتان سلام کنید، اما تا او به سمت شما دست دراز نکرده،

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

دستتان را برای دست دادن به سوییچ دراز نکنید و در صورتی که کارمند اداره یا شرکتی هستید، تا ریاستان خواهان دست دادن با شما نشده برای این کار پیش دستی نکنید.

هنگامی که کسی چند بسته یا پاکت در دست دارد و دست هایش آزاد نیست، نباید دست خود را به سوی او دراز کنید تا مجبور شود برای دست دادن بسته ها را زمین بگذارد یا همه را در یک دست یا زیر بغل نگه دارد.

با دستکش دست ندهید، اما اگر زمانی برای در آوردن آن نیست، ضمن عذرخواهی مانعی ندارد، اما یادتان باشد حتما این جمله را بگویید: ببخشید که با دستکش دست می دهم.

● همیشه خانم ها مقدم نیستند

این را هم که همه می دانید، خانم ها همیشه مقدم هستند جز در موارد زیر:

نکته: سلام کردن و دست دادن اولین و مهم ترین بند از مجموعه آداب معاشرت است که تقریباً میان همه ادیان، فرهنگ ها و ملت ها وجود دارد و آداب و قوانین خاصی هم برای خودش دارد

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

هنگام عبور از درهای گردون به منظور چرخاندن در، عبور از درهای فنردار به منظور نگهداری در، هنگام ورود به رستوران، عبور از میان جمعیت، هنگام حرکت در صفوف (صف اتوبوس، بانک و...)، هنگام بالا رفتن از پله ها، هنگام پایین آمدن از پله ها و صفوف نشسته (در سینما، تئاتر، سخنرانی ها و...) به منظور باز کردن راه عبور برای خانم ها (با عرض معذرت از آقایان!) همیشه مودب باشید. اگر هم از کسی خوشتان نمی آید نیازی نیست شأن و منزلت خودتان را تا سطح اجتماعی آن فرد تنزل دهید.

● اگر می خواهید مودب تر باشید

مودب و با نزاکت باشید تا برتری خود را نسبت به آن شخص ثابت کنید. هیچ گاه دشنام ندهید. دشنام و ناسزاگویی مطلقاً ممنوع است، چون نشان می دهد شما قادر نیستید برای بیان عقاید خودتان از واژه ها و لغات مناسب تری بهره بگیرید. با صدای بلند صحبت نکنید. وقتی با صدای بلند صحبت می کنید، باعث بالا بردن سطح استرس میان اطرافیان خود می شوید.

بلند صحبت کردن بیانگر آن است که شما قادر به بحث منطقی با دیگران نیستید و عجز و ناتوانی شما را در استدلال معقولانه نشان می دهد و دیگر این که می خواهید حرف خود را با توسل به زور و خشونت به کرسی بنشانید. همچنین بلند صحبت کردن سبب جلب توجه اطرافیان می شود، البته توجه منفی. خونسردی خود را حفظ کنید و کنترل خود را از دست ندهید، چون زمانی که کنترل خود را از دست می دهید و از

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

کوره در می روید به همه نشان می دهید قادر به کنترل احساسات و هیجانات خود نیستید.

به دیگران خیره نشوید. زل زدن به دیگران نوعی تعرض به آنها محسوب می شود. صحبت کسی را قطع نکنید. پیش از آن که اظهار عقیده ای بکنید، اجازه دهید صحبت دیگران به پایان برسد، اگر ناچار به انجام این کار شدید حتما با گفتن جمله معذرت می خواهم، این کار را انجام دهید. آب دهان نیندازید. اغلب مردها این کار را به طور ناآگاهانه انجام می دهند.

به اشتباهات دیگران نخندید. هنگامی که شما اشتباهی مرتکب می شوید، تنها انتظاری که از دیگران دارید آن است که اشتباهات و خطاهای شما را به رویتان نیاورند و از آنها چشم پوشی کنند. از آن مهم تر شما را به واسطه آنها مورد تمسخر قرار ندهند. وقتی در یک جمع و محفلی هستید، مدام به ساعت خود نگاه نکنید مگر آن که بلافاصله قصد ترک آن محل را داشته باشید.

● آداب غذا خوردن در فرهنگ های مختلف

این تنوع آداب در فرهنگ های مختلف در عادات غذایی نیز مشاهده می شود و در واقع لذت غذا خوردن به چگونه خوردن آن است، به طوری که انجام دادن یک سری آداب، غذا خوردن را برای خودمان هم لذتبخش تر می کند. دانستن این که آداب غذا خوردن در هر جایی و در هر فرهنگی با فرهنگ دیگر متفاوت است هم کمی کارمان را

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

راحت تر می کند.

مثلا در بیشتر کشورهای آسیای جنوب شرقی با دست غذا خوردن بسیار مرسوم است و در رستوران های محلی، قاشق و چنگالی همراه غذایتان نمی بینید. همیشه هم ظرف آبی روی میز هست که شما فقط انگشت هایتان را در آن ظرف می شوید. یادتان باشد وقتی با چینی ها روی یک میز می نشینید، آرنج هایتان را روی میز نگذارید. این کار از نظر آنها بی ادبی به حساب می آید.

هندی ها هم از جمله ملت هایی هستند که با دست غذا خوردن را دوست دارند. آنها می گویند نباید برای غذا خوردن واسطه ای وجود داشته باشد تا انرژی بین غذا و انسان در تعامل باشد. ایتالیایی ها هم به غذا خوردن اهمیت زیادی می دهند و برای وعده های غذایی، بخصوص اگر مهمان داشته باشند، وقت زیادی صرف می کنند.

برای ایتالیایی ها، ناهار وعده اصلی است و معمولا همه خانواده آن را کنار هم صرف می کنند. این که وقت غذا خوردن چطور به نظر بیاید، در هر رابطه ای مهم است. احتمالا برای همین هم خیلی روی آداب غذا خوردن تاکید می شود؛ آدابی که برخی هایشان در فرهنگ های مختلف، مشترک و برخی هم خاص یک قوم و منطقه است. آدابی مانند:

هیچ گاه سر میز یا سفره غذا، مستقیم توی چشم های طرف مقابل تان در حالی که لقمه را به دهان می برد، نگاه نکنید و به عبارتی لقمه های طرف را نشمارید. در حال جویدن غذا، به هیچ وجه صحبت نکنید آن هم با شور و حرارت و درباره یک مساله بحث

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

برانگیز. طرف مقابل را هم به حرف زدن وادار نکنید. از یادآوری کردن چیزهایی که به خودی خود چندان آورند، سر میز غذا جدا پرهیز کنید. یکی از بی ادبی های غذا خوردن در فرهنگ ما در آوردن صدایی است که به آن بادگلو می گویند. بشدت از این کار پرهیز کنید. روی غذایتان خم نشوید. صاف بنشینید و موقع جویدن غذا، دهان را ببندید.

وقتی همسفره دارید، سریع غذا خوردن مودبانه نیست.

همان اندازه غذا بردارید که می توانید بخورید. به عبارتی لقمه بزرگ بردارید که مجبور شوید آن را گاز بزنید.

هرگز با حرکت دادن قاشق و چنگال چیزی را نشان ندهید. اگر حشره، تار مو یا هر چیز دیگر را در غذایتان دیدید اصلا به روی خودتان نیاورید. قبل از چشیدن غذا به آن نمک و فلفل نزنید. این کار یک جور بی احترامی به میزبان و آشپز است.

پیش از میزبان شروع به خوردن غذا نکنید. اگر چیزی از روی میز خواستید و دست تان نمی رسید، دست تان را برای برداشتن آن روی میز دراز نکنید و از فردی که نزدیک است بخواهید آن را به شما بدهد. سر میز غذا از خمیازه کشیدن، خاراندن، شانه کردن سر، بازی کردن با موها، گوش ها و کلاهتان خودداری کنید.

در صورتی که میزبان هستیید، از غذاهای تهیه شده تعریف نکنید. در خوردن غذا و

اهمیت و ارزش ادب

در جامعه

نوشابه به مهمانتان اصرار نکنید. لیوان نوشابه را خیلی پر نکنید. به قیمت برخی اقلام غذا نیز اشاره ای نکنید. اگر لقمه ای که در دهان می گذارید، مطابق میلтан نبود، آن را از دهان خارج نکنید و سعی کنید آن را فرو ببرید. انگشت ها را برای تمیز کردن لیس نزنید، بلکه آنها را با دستمال تمیز کنید. از خلال دندان هیچ وقت در حضور دیگران استفاده نکنید. سعی کنید از زبانتان برای تمیز کردن دندان ها و دهان استفاده کنید. نوشیدنی تان را یک جرعه سر نکشید، بلکه به دفعات و البته بی صدا آن را بنوشید.

اگر خواستید سرفه کنید یا بینی تان را بگیرید، سرتان را به چپ یا راست در امتداد شانه تان بچرخانید و با دستمال کاغذی یا دستمال جیبی صورت تان را بپوشانید و به کارتان برسید.

اگر خانمی با آقایی همراه است موقع سفارش غذا، نظرش را به آقا بگوید تا او دستور غذا بدهد.

● در محیط کار چگونه باشیم؟

محققان معتقدند مهارت های انسانی بیش از مهارت های فنی و دانش در پیشرفت کاری افراد تأثیر دارد. ظاهر هر شخص در محیط های کاری اهمیت زیادی دارد. بنابراین اگر کارمند هستید رعایت استانداردهای زیر به شما کمک می کند ظاهرتان با وضعیت کارتان هماهنگ باشد.

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

به بهداشت خود توجه نشان دهید تا احیاناً برای ارباب رجوع یا دیگر کارمندان ناخوشایند نباشید.

لباس مناسب با محیط کار بپوشید. این یکی، جزو ضروریات است. چنانچه اداره اونیفورم خاصی ندارد بهتر است آقایان از کت و شلوارهای مناسب محیط کار و پیراهن هایی با رنگ ملایم (سفید، بژ یا آبی) استفاده کنند. پوشیدن پیراهن های تیره یا رنگ های تند و زننده ممنوع است. لباس کارمندان زن نیز از فرم مانتوهای اداری خارج نشود. اصولاً در محیط کار در مجموع تأکید بر سادگی و ظاهر طبیعی کارمندان است.

یادتان باشد محل کار جای صمیمیت برقرار کردن نیست. در محل کار گفت و گو به صمیمیت ترجیح داده می شود. پس زندگی خصوصیتان را برای خودتان نگه دارید و مکالمه هایتان تا حد امکان کوتاه باشد. به همکاران پشت نکنید. زبان بدن (ایما و اشاره ها) شما می تواند شخصیت تان را نشان دهد. اگر بخوبی با همکار خود برخورد نکنید، اعلام کرده اید هیچ علاقه ای به صحبت ندارید. این کار به نوعی توهین است و می تواند منجر به ایجاد احساسات و تفکرات منفی و حتی خصمانه دیگران نسبت به شما شود.

پشت سر کسی در محل کار غیبت نکنید. به جای صحبت کردن در مورد دیگران، سعی کنید با احترام آنها را تحسین و تمجید کنید و اگر آنها هم همین کار را برای شما کردند، تشکر کردن را فراموش نکنید. بعد از دعوا و مشاجره، پشیمانی سودی نخواهد

اهمیت و ارزش ادب در جامعه

داشت، پس اگر گیر رئیس یا ارباب رجوعی عصبانی افتادید، سعی کنید خونسردی خود را حفظ کنید و به حل مشکل بپردازید. گفت و گوی مثبت و سازنده، استرس محیط کار را کاهش می دهد و باعث می شود همه احساس راحتی و خشنودی بیشتری کنند.

در شروع مکالمه با همکارانتان آرامش خود را حفظ کنید و به خاطر داشته باشید وقتی همکارانتان سرشان شلوغ است برای حرف زدن نزدشان نروید.⁶⁶